

نویسند

شماره ۷ - مرداد ماه ۱۳۰۶

(وابسته به حزب توده ایران)

پیرامون سوختن

مسائل کارگری

پس از وقفه کوتاهی که بواسطه برخی فعل وانفعالات و تصمیمهای نادر کارگری تازه در وزارت کار و همراه با دشمنانه ترین فشارهای پلیسی و اختناق بر محیط کارگری و ولزوم ارزهای شرایط تازه به منظور یافتن بهترین شیوههای مبارزه و در جنبش توان گستر کارگری ایران پیش آمد، امواج تازه اعتراضی و انتصاب واحد های صنعتی کشور را در پی آورد. بدنیال در سهام انتصاب - بزرگ و کوچک کارگری در سال گذشته که طایفه مجموع و سرکوب بخشنامه مأموران جنایتکار رژیم و برخی از آنها به سرپرستی رسید و رژیم ضد کارگری شاه کوشید با کمال شتمن و توجه آرزین این مأمور شناخته شده ساواک در رأس وزارت کار و طرح پلترشته تند ابرو خشن و تند انبساطی را در جریان بر توان و اوج گیر جنبش انتصاب و مطالباتی کارگران را سد کند. از جمله این تند ابرو و محدود کردن تضامین و تماس های کارگران در هر واحد صنایع تا آنجا که در برخی از کارخانه ها بین کارگرانی که بر روی ماشین های مختلف در یک سالن و در زیر یک سقف کار میکردند حصار طوری کفیدند و برای جلوگیری از تماس آنها مأموران ویژه گماردند و ساعات غذای کارگران بخشهای مختلف را از هم جدا کردند تا از هرگونه تماس آنها جلوگیری کنند، ایجاد کار حفاظتی در هر کارخانه به منظور سرکوب فوری هر گونه حرکت اعتراضی و انتصابی و تشدید فشار و خضوت نسبت به کارگران را میتوان نام برد.

اما تصمیمات ضد کارگری رژیم در اینجا متوقف نهد. از اواسط نیمه دوم سال گذشته جلسات متعدد و کار فرمایان در وزارت کار با حضور منوچهر آرمین برپا شد تا تند ابروی خشن تری علیه جنبش مطالباتی بقیه در صفحه ۱۱

نویسندگان در رابطه با بحران برق

رسوایی برق و حقایق پشت پرده

رسوایی برق که هر روز ابعاد فاجعه آمیز آن گسترده تر میشود، برای رژیم پارتی و از رگ و ریشه فاسدی که چون باد بیک خود را با باد تبلیغات و پاورسانی ها انباشته است، نه تنها یک ورشکستگی سیاسی بلکه فراتر از آن یک ورشکستگی کامل است. توله یک - است.

کلا مبارزه احترام بردارید. به دروازه تمدن بزرگ آریامپوری رسیدیم !! بقیه در صفحه ۷

نامه های اعتراضی و خواسته های ملی

بدنیال نامه های پرمسود ایندیگتر علی اصغر حاج صید جوانی و د کستر مهدی بهار که سند محکومیت ورشکستگی رژیم ضد خلقی شاه را به ملت ایران عرضه میداشتند، این روزها نامه ها و اعلامیه های بسیاری از جانب جمعیتها و افراد سرشناس و معتقدین پرخاشجو منتشر میشود. از این جمله است بیانیه افشاکری که با اخطای ۶۴ تن از قضات و وکلای دادگستری ایران منتشر شده که ضمن تقاضای لغو این شیوه نامه جدید دادگستری که بر خلاف اصل صریح قانون اساسی، قوه قضائیه را به زیر پرچم قوه مجریه میکشد، استقلال و اعتبار دوباره قوه قضائیه را خواستار شده اند.

شخصیت های معتبر قضائی ایران در این بیانیه خود را برای احیای نهاد استقلال و حرمت و اعتبار قضائی و انحلال مراجع اختصاصی مامورین ارتش با تأکید بسیار طزم و وضوح میدانند. وکلای آزاد بخوانند گستره نوشته اند؛ بقیه در صفحه ۲

در صدای اعتراضی تازه ای که بگوش میرسد نشانه طغیان و بهتایی قشرها و گروههای جدیدی است که بدیروز از اختناق مشت میکنند ناراضمان روز به روز بیشتر میشوند. پایگاههای رژیم تنگ تر میگردد و فریاد های صیوان اوج و تهاجم بیشتری میدهد. رژیم دیکتاتوری صحتی به سر نیزه و شکجه و زندان و چهار سردرگمی و نگرانی شده است و در برابر موج های روه خیز و بیایی خواسته های ملی که در رأس آنها مطالبه آزادیهای فردی و جمعی، احیای قانون اساسی و بازگشت شروط و بهر زنجیر انداختن گزگ خون آشام ساواک، قرار دارد و تسن به عقب نشینی همانی میدهد. ضرورت تشکیل هیئت ملی و شکستن حصارهای ترس و وحشتی که سازمان جنبش اذیت شاه سالها آن را پاسداری کرده است و پیش از هر وقت دیگر احساس میشود.

در این اوضاع و احوال نامه های سرگشته اعتراضی روشنفکران و ناراضمان که قلب بخشی از صائب ملی و تحصیل ستی را که بر مردم - میروند افشا میکنند، چون برق های زد دستبه دست میگردد.

نامه‌های اعتراضی...

" باید قوه مقننه با انجام انتخابات واقعا آزاد و فارغ از بیم و هراس از قید سلطه قوه مجریه خارج شود... و حقوق و آزادی‌های ملت ایران به ویژه آزادی بیان و نظم و اجتماعات به معنی واقعی محترم شمرده شود. "

وکلای وکلا دادگستری تصریح کرده‌اند:

" قوه مجریه باید اعمال اقتدارات خود را در حدود اصول قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند. "

نهیست رادیکال ایران نیز در ای املای کتب تاریخ ۳۰ تیرماه منتشر کرده، ضمن بررسی حرکات و تظاهرات ملی در ماههای اخیر برای احاده قانون و آزادی و خواستهای خود را بشرح زیر خلاصه کرده است:

۱- آزادی کامل اجتماعات و مطبوعات، لغو سانسور و تصحیح حقوق اجتماعی و سیاسی ملت پر دستگامهای خبیری دولت از جمله رادیو و تلویزیون.

۲- انحلال مجلسین و تدارک انجام انتخابات آزاد و قانونی و انصراف از حزب واحد.

۳- تأمین استقلال قوه قضائیه بر اساس موازین قانون اساسی.

۴- آزادی زندانیان و تمهیدات سیاسی و احاده حیثیت از آنها...

نامه‌های بسیار دیگری نیز بر این روال منتشر شده‌است که از این مجموعه قضائاتی از نامه‌های احمد صدر، با دستا سابق تهران و وکیل دادگستری، دکتر سنجایی، داریوش، فروهر، دکتر بختیار (از رهبران جبهه ملی)، سرمنگهباز، نشسته امر رحیمی و نیز نامه سرگشاده کانن نویسنده گمان ایران به افاضی، تن از نویسندگان و شعرا و ترجمان کشور که معتبرترین نمایندگان هنر و ادب امروز ایران اند و بر صفحات ۷ تا ۷ همین شماره "نوید" چاپ شده‌است.

پچپچه‌های مردم

صبح يك روز تابهستانی . تاكسی پشت چراغ قرمز می ایستد
راننده تاكسی چشمش به يك مرد ای زاپنی و راننده آن كه
يك فلیپینی است می افتد :

راننده : فلان فلان شده‌ما پول این صطكت را میگیرند و
حق میكنند و به ریشخام مردم میخندند .

مسافر ۱ : چه بگیم ! ما راننده های بیبانی از دست این
خارجی ها در خذاب هستیم . راننده های خارجی
ماهی ۸ هزار تومان میگیرند و تازه تمام مخارج مثل
راهم به آنها میدهند و آنها فقط رانندگی می
کنند ، اما ما كه تصدیق يك دریم ماهی ۷ هزار -
تومان میگیریم و خرجمان پای خودمان است -
مكانیکی ماشین هم با خودمان .

مسافر ۲ : تازه يك چیز بگیم از ما طلبكارند . آقا من راننده
شهر دارم . ۶ ماهه كه حقوقم را اینافكرده اند اما
مهندسی كمرشیم ما دست اینافحقوق من و رفقای
ما را بالا کشیده و ما هم کاری از دستمان برنی آید
مخصوصا میخواهند كه ما هم دنبال رشوه و بگاری
آنچنانی برویم چون كه دشمن میخواهد مردم -
سرشان به بیک کاری گرم باشد .

مسافر ۱ : آقا از این حرفها نزنید برایتان بد میشود .

مسافر ۲ : بالا تراز سیاهو كه رنگی نیست . روزگار ما هم كه از
سیاه سیاهتر است .

مسافر ۱ : تقصیر خودمان است . ما با هم متحد نیستیم و هر
کاری کردند هیچی نمیگوئیم . باید دست بکاری
بزنیم . (و تاسخو) طر خود شاه نگفتیم برای گرفتن
حقان میتوانیم امتصاب کنیم ! حالا ما هم باید -
امتصاب کنیم ، نه اینکه فقط حرف بزنیم .

مسافر ۳ : ای آقا ! (با صدای آخته) این شركتهای حطل
ونقل و تمام شركت های بزرگ مال شاهو برادر و
خواهرش است . هیچكس جرأت حرف زدن ندارد

مسافر ۱ : من باید ده روز در بندر توی نوبت بخوام تا بار
به من بدهند اما ماشینهای شاهو غلامشاه از
راه میروند فورا بارگیری میكنند . عجب شكستی
است .

راننده : آقا به خدا تقصیر خودمان است . نباید بگذاریم
این طو باشد !

مسافر ۲ : تقصیر همه است . باید باهم یکی باشیم و نترسیم .
(بحث گرم است اما تاكسی به مقصد رسیده و باید بنیاد شده)

دشمن مردم حیلنگر و قسی و پشتیبانان جهانی
آن آژند و زورنده‌ند . تنها بازوهای متحد همه
مخالفتان رژیم میتوانند چنین دشمنی را در هم
شكند . تصرف نیروهای مخالف رژیم ارتجالی
بهترین " ارفغان " به این رژیم است . در راه
وحدت عمل همه نیروها و عناصر مردم
رژیم از هیچ گوشش و نورستی دریغ نکنیم

★ ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانده اختن رژیم استبدادی شاه است ★

مرگ مشکوک یک آزادبخواه

ماه اعلام شده بود به تعویق افتاده است .
 اما در بسیاری از شهرهای ایران مردم علیه مخالفت ساواک مجلس ختم دکتر علی شریعتی را برگزار کردند . در شیراز دانشجویان در یکی از مساجد در افتاده مجلس ختم گرفتند و ضمن بخش اعلاجه و دادن شعار ، مجلس ختم را به اجتماع نمد رژیم تروری و خفقان تبدیل کردند . در این ماجرا مأموران شهرستانی و ساواک تعدادی از شرکت کنندگان مجلس ختم را دستگیر کردند .

در مشهد نیز مجلس یادبودی در محاصره کامل یک نیروی بزرگ و مسلح به سپرهای مخصوص ، مسلسل و بی سهم تشکیل شد که سرانجام آن به زد و خورد مردم خشکین با نیروهای انتظامی کشید . تمام خیابانهای محلات اطراف مجلس یاد بود بوسیله پلیس مسلح قرق شده بود .

هلازه بر اینها از جانب دکتر علی اصغر حاج سید جواد نویسنده معروف ، اعلاجه‌های در سوگ مرگ دکتر علی شریعتی منتشر شد که از جمله در آن چنین آمده است :

برادر گرامی من دکتر علی شریعتی به شهادت رسید و او به پیروی او شریعت حقا اسلامی در سالهای شکوفایی عمر کوتاه خود و در نغمه دقایق و لحظاتی که نهضت زندگی او در دوران حیات پر پرکشش زد شهید زمان خود بود شهادت به تعبیر اسلام و در ادراک بی کرانه و فیاض علی شریعتی نه در ایثار جان و مرگ در میدان نبرد بلکه در حذر در زندگی زمانه و رنج و محنتی است که از رهگذر استبداد مستم ظالمان و سائوس ریاکاران وفارت زوئادوزان بر مردم بی‌نوا میرسد . . . او در زمینه این جنبه انسانی تبلور زنده یک است بود ، زبان و ظم او در چرخش بیدار کنی و ظلم و ستم نظام استبداد تیخی بران والمانی درخشان و حجتی قاطع بود . . . راه او راه جاویدان حق و حقیقت و جهاد بر علیه ظلم و ستمگری بود . . . من به خانواده او تسلیت نمی گویم بلکه برای فرزندان او و همه فرزندان بافضیلت و بان خود آرزو میکنم که همچون دکتر شریعتی پیروسته شاد زنده و شهید جاوید زمان خود باشند .

هزارها نفر در زندانهای شاه در سراسر کشور در بندند و در شکنجهگاههای "کمیته" و "اوهن" و "اطاقهای تشویق" مراکز ساواک بو حشمانه ترین شکنجه‌ها را می بینند و تحقیر میشوند . برای چه ؟ برای خواست عدالت اجتماعی ، دموکراسی و استقلال کشور ما . وظیفه ما است که از این مبارزان خلق دفاع کنیم

مرگ ناظنظره دکتر علی شریعتی ، جامعه شناس معروف اسلامی و مبارز آزادبخواه و استاد دانشگاه ، موجی از خشم و انزجار راهبیه رژیم سفاک و خون آشام شاه - ساواک برانگیخت . دکتر شریعتی حدود بیست روز قبل از مرگش با گذرنامه‌ای که تنها نام "منزانی" (دنباله نام فاضلش) را داشت موسسه شده بود ساواک را بفریبید و از کشور خارج نمود . وقتی ساواک به این امر پی برد پشت خشمگین شد و یکی دو هفته بعد که همسر و دختران شریعتی بخواستند به شوهر و بدر خود - بیرونند از خروج همسر او از کشور جلوگیری کرد . این امر خود با توجه به مشارکت و همکاری پلیس درنده شاه با پلیس انگلیس شایعه دست داشتن ساواک را در مرگ ناظنظره - دکتر شریعتی در این زده است ، بویژه که دکتر شریعتی یکی از مخالفان فعال رژیم استبدادی شاه بود و در میان مسلمانان شرقی و روشنفکران آزادبخواه مواد اران بسیار داشت و همین چندی پیش پس از طعنه‌ها اسارت در شکنجهگاههای شاه آزاد شده بود .

بدنبال انتشار خبر شهادت علی شریعتی موجی از - تظاهرات گسترده و خشن و زد و خورد های شدید دانشگاه های ملی و آریامهر و تهران را فرا گرفت . در دانشگاه تهران دانشجویان ضمن دادن شعارهای نمد رژیم با طأموران خود گاهه سفاک و جنایتکار شاه به زد و خورد پرداختند .

بعد از ظهر سه شنبه ۳۱ خرداد در مجلس قمتی برای پدر شیخ مجید معادی خواه در مسجد ارك تهران ترتیب یافته بود . مهندسین بازرگان در روزنامه‌ها مجلس ترحیم را اعلام کرده بود و صد ها نفر با آشنایی که با شیخ مجید معادی خواه که از روحانیین آزادبخواه و مبارز است و سالها عمر خود را در زندان شاه سری کرده است ، در مسجد ارك جمع شدند . درست در همین روز در روزنامه‌ها اعلام شد که دکتر علی شریعتی ظاهرا بر اثر سگنه قلبی در لندن در گذشته است . با بخش این خبر در مسجد غوغایی برپا شد و اکثر کسانی که در مسجد ارك اجتماع کرده بودند یکصد شعار علیه رژیم پلیسی شاه - ساواک را شروع کردند . ضمن سخن شعارها چندین نفر با صدای بلند اعلام داشتند که ساواک بدستور و توطئه شاه علی شریعتی را همانند جلال آل احمد و صد بهرنگی کشته است . این تظاهرات به خیابان ارك کشید و عزم آن در آنها - پلیس ماسک دار به مسجد و تظاهرات کنندگان حمله ور شدند و ضمن مجروح کردن جمع زیادی ، محدود صد نفر را دستگیر کردند و با کامیون های مخصوص بردند که از سر نوشت آنرا اعلامی در دست نیست . رژیم بارور و شدن با این خشم مردم و دریجان وسیع قشرهای مذهبی ، روز بعد اعلام داشت که مجلس ختم دکتر شریعتی که تاریخ آن در روزنامه‌ها روز پنجشنبه دوم تیر

نامه‌های اعتراضی

۱

بنفع آن جمعیت حرف زده بود هاند و از آن به بعد هیچ وکیل مدافع نظامی جرات نمیکنند که بنفع موکل خود بیان و دفاعی بکنند .

... در همین موضوع شکجه زندانیان و بد رفتاری با آنان که نهانند خامر و عام شده و کلیه خانواده‌های زندانیان به ملت سوء رفتار و عمل مأمورین با خود آنها و با زندانیان ناراحت و معترض هستند اگر زندانیان در اختیار ادگستری بود و دادستان میتوانست بوظایف قانونی خود عمل کند - چنین صائلی پیش نیاید یعنی اصلا اگر ادگستری هذرت و استقلال داشت از وضع و تصویب قانون تشکیل محاکم نظامی و انجام محاکمات سیاسی در آن دادگاهها ممانعت میکرد و از جریان این همه محاکمات خانمان بهادره و مطر و صیقل برای مردم بیچاره ایران جلوگیری می نمود .

... تبلیغات فریبنده و وهه‌های اغفال کننده و دلخوشی‌های اساسی که بصورت نشر آگان بیبضیر و ضحرف کننده جامعه درآغه است جرچو قابل تعقیب میباشد ، سالهاست که مردم را با همین وهه‌های پوشالی و ابعاعای سرپا خلا و دروغ سرگرم کرده اند . يك روز برای فرهنگیان خانه میسازند روز دیگر برای کارگران نهد مسکن میدهند روز سوم قراه و هه بات کشور را با آخرین وسائل راحت زندگانی مجهز میکنند و حتی پشت تربیون مجلس و رسما میکنند کشور ایران تا ده سال دیگر بهشت خواهد شد و از این نوع ابعاعای دروغ و فریبنده - اذال و شواهد بقدری است که میتوان کتابها از آن تدوین کرد .

... در ختام عرایض خود در صورتیکه اعلیحضرت سؤال کنند که علاج این همه درد و گرفتاریها در مملکت ما چیست عرض می‌نماید استقرار و تجدید حیات قانون اساسی کشور با انحلال مجلسین و تشکیل مجالس منتخب مردم و تفکیک و جدایی و استقلال کامل قوه قضاویه از قوه مجریه و انتخاب وزیر عدلیه و سایر مقامات قضایی از بین قضات پناهر انتخاب خود آنان و لغو کلیه قوانین ناقض اصول مشروطیت چاره ضحصره بفرود در دعای کشور است و آن نیز مقدر نخواهد بود مگر اینکه فرمان انحلال سازمان اضیت و اطلاعات کفو را قبل از همراهی صادر فرمایند تا انتخابات و انتصابات صحیح و بدون اعمال فرخ و نظر انجام گیرد .

اغیرا احمد صدر ، دادستان سابق تهران و وکیل دادگستری و ناطق سرکشادهای پمشاه نوشته که در زیر بخش های از آن را میخوانید :

در سالی که پیش از چند روز از آن سپری نشده بدستگاه قضایی کشور دو دفعه شاهد حطه اعلیحضرت پماندگستر بود ما ست که در آخرین دفعه حتی آجارا بهشت جنایتکاران نامیدند . قیات و کارکنان دادگستری از این تعبیر ناراحت شده و از خود سؤال میکردند که کدام جنایتکار واقعی بدستگاه قضایی معرفی شده و از آن پاک و نزه خارج شده است - بعلاوه مگرد دستگاه ادگستری جزئی از اجزای این کشور نیست؟ چگونگی میتوان در گوشه‌ای از استخری که مطو از آب آلوده و سیاه رنگ است آب پاکیزه و زلالی حفظ نمود؟ یاد ر خطه‌ای از کشوری که غور شهید آزادی و عدالت در آن فرو بر کرده و ظلمت خفتان بر آن سایه گسترده است چگونه انتظار روشنایی سعادت و خوشبختی و تابش نور عدل و داد صحتا داشت ؟

... قوه قضائیه کشور مطابق قانون اساسی ایران مستقل است و نیابتی به هیچ يك از دو قوه مجریه و مقننه بهستگي داشته باشد و این یکی از پایه‌ها و اساس مشروطیت ما ست که سه اصل ۲۷ و ۲۶ و ۲۸ ضم قانون اساسی قوای سه‌گانه مملکت را ناشی از ملت و ممتاز و مفضل از پند دیگر تمیز کرده است . در اینجا این سؤال پیش میآید که ند امیک از این اصول فعلا مجری است و ملت در انتخاب یا انتصاب کدام قوه از قوای ثلاثه کشور خالت یا حتی نظارت دارد ؟

... سالهاست که در کشور ایران دشمن آشتی ناپذیر و مبارزه بیگیری با اساس شخصیت و انسانیت بوجود آده است و از طریق ارباب یا اغفال یا تطبیع بی حد و حصر و بهر صورتی از صرکه شده است سعی میشود موازین و مواهب آزادی و شرف مردم و اساس اعتقاد و حیثیت انسانی و شخصی از بین برود و علت این مبارزه بسیار روشن و واضح است چه صیبر مولود متفکر آفریقایی میگردد : "برودت و نوگرایی شخصیت وفادارتر و فرمانبردارتر میشود..."

... میگویند در کشور ما حقوق بشر نقض نشده است صرف نثار از امله و شواهد فراوانی که در نقض حقوق انسانی در دست است موردی بسیار واضح و آشکار تر از بهشت نمدهای به اتهام ایجاد جمعیت سیاسی در دادگاههای نظامی تحت محاکمه و تعقیب قرار گرفته و محکوم شدند و بلائانه وکلای مدافع آنها را گرفته و آنها را نیز به یکسال زندان محکوم کردند و عنوان ضحک اتهام هم این بود که این وکلای - مدافع در دادگاه آن عده تبین دفاع از آنها تبلیغ کرده و

درواه پسرانده اخستن رژیم استبدادی شاه

مصحح ششم

۲

در زیر بخشهایی از نامه سرگشاده به شاه با اضمحلالی دیگر سنجایی، دکتر شاپور بختیار و درپوش فروهر را حضوراً فراپندگی تنگنا و نابسامانی های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان در نمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که اظهار کنندگان زیر بنا بر واپسینه ملی و دینی، در برابر خلق و خدا توجیه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از "ضوابط ملوکانه" داشته باشد نهمیناسیم و در حالیکه تمام امور مملکت از طریق مقرر فرمانها انجام میشود و انتصاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب درک اعتبار شخصی اعلیای قدرت قرار دارد که همه اختیارات و افتخارها و میانسما و بنا بر این مسئولیت ما را ضمناً متوجه به خود فرموده اند، این مشروطه را همیغرم خطرات سنگین تقدیم حضور میمائیم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه برنگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کشیده نیازمندیهای عمومی بخصوص غوارویار و مسکن باقرضهای تصالحاتی بی نظیر دچار تالیابی گشته، کشادگی و دادگری رومیستستی گذارده، صنایع نوای ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و ناپرا بری صادرات و واردات و حجت آور گردیده، نفت این میراث گرانبهای خدا دادی بشدت تهذیر شده، برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناگامانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت های سیاسی به حد اکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تملق و فاسیت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع و احوال با همه نامل و اداهای پایان ناپذیر و گزافه گویی ها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات نارغشائی قبیله ای عمومی و ترک وطن و خروج سرمایه ها و همیان نسل جوان شده که عاشقانه د اولد زندان و شکنجه و مرگ میگردند و دست بکارغشائی میزنند که دستگاه حاکمه آنها خراب از ک و خیانت و خود آنها فد آگاهی و شرافت مینا شد.

این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر بایسد مربوط به اوز مدبریت مملکت دانست و مدبریتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شامشعشائی پیدا نرده است. . . بنابراین تنها راه بازگشت و زشد ایمان و شخصیت فردی و حضار و ملی و خلاصی از تنگنا و دشواریهایی که آئینده ایران را تهدید میکند ترک حکومت استبدادی، تکمین مطلق به اصول مشروطیت، احیاء حقوق ملت و احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد

آزادی مطبوعات و اجتماعات و آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند.

۳

و اینک بخشهایی از نامه سرگشاده سرهنگ بازنشسته عزیز الله امیر رحیمی به فرح پهلوی:

. . . اکثریت کارمندان و کارگران و حتی افسران شریف ارتش در آرزوی اجاره یک اطاق محقر و عده های غارتگر صبی میلیون تومان خرج گج کاری قصرهای افسانه ای خود میکنند با تحقیق دقیق حقوق یک مدبر دبیرستان که دو بالاترین سطح در گذار فرهنگیان میباشد دو هزار تومان است یعنی یک مدبر دبیرستان پس از سه سال تمام اگر تمام حقوق اش را جمع کند میتواند یک متر زمین بخرد و حقوق تمام ایام خدمت سی ساله او قیمت ده متر زمین است که در آن دفنش کنند. و یک کارمند که ۴۰ ریال اضافه حقوق دریافت نموده پس از ۱۲۵ سال با این اجاره - قرض یک متر زمین میتواند خریداری کند. آنوقت دولت از جوانان تحصیل کرده ما در خارج میخواهد تساهولین برگردند. یک مهندس که در وطن بازگشته شاید پس از یک قرن اگر تمام حقوقش را صرفه جویی کند قادر به خرید یک آپارتمان سه طبقه باشد با این وضع نه تنها محصلین مادر خارج نمیتوانند بهمین خود بازگردند بلکه مغزهای متفکر - افراد شریف ترک وطن میکنند و مادر وطن را برای آقایان رشائی و نیک پور و خیابانی و خرم و لاجوردی و نظایر آنها باقی میگذازند.

هم اکنون عده های در جنوب شهر چون انسان اولیه در غارها زندگی میکنند که اینجانب حائرم علیاحمرت را بایسن غار ما را عنقائی کنم و مشتق غارتگر در شمال شهر قصرهای ۱۴ میلیون تومانی میسازند. قیمت زمین در مجاورت کشتار گاه تهران از زمین کاغ رئیس جمهر آمریکا و طکه انگلستان سه مراتب گرانتر است. خرید فزل در بهترین خیابانهای نیویورک لندن و پاریس از بدترین محلات تهران به مراتب سهل تر است. این وضع ممکن نیست بتواند ادامه یابد.

نزه. او پیشگاه علیاحمرت استندا دارم چند دقیقه تصور کنید نه خانواده سلطنتی، خانواده یک کارمند یا یک کارگزارت اعلیاحمرت نمایونی نه کارمند دولت و سرپرست خانواده انده برای اجاره اطاقی به بنکاهای معاملات ملکی مختلف سرزده و ناگام برگشته اند و منتظر فشار بیشتر صاحب خانه برای تخلیه اطاق اجاره ای خود میباشند. علیاحمرت (زن کارمند) برای بگرو گذاشتن تنها فرزند درسی که زیر پا داشته اند بمیانک

کارگشایی مراجعه کردند که شاسفانه بانک هم طبق اهلانی که هم اکنون نموده تا هشت ماه دیگر از قبول گروگان معذور است زیرا انبارهای بانک پر شده .

والاحقرت فرحناز مرخص و بدین درومانده . در چنین شرایط والا حضرت ولیعهد فرزند ارشد خانواده که شاهد درماندگی پدر ناراحتی مادر و ناله خواندر کوچک خود میباشد و هیچ راهی برای نجات خانواده خود پیدا نمیکند چه ... حالتی دارند؟ و آیا این خانواده هم وضع کشور خود را شکونا و ترقیات آنرا معیرالمقول میدانند؟ و هنگامیکه فرزند جوان و حساس آنها در روزنامهها میخواند که عدهای غارتگر در ... ساختمانها ۱۴ میلیون تومان به غیر از عسرت مشغولند و عدهای با اسناد مالکیت که بازوبند با تبتاعیاد درگنشته بدست آوردهاند بیلبارد هاتومان بچیپ زده در راه و آمسکا خود و فرزندانشان به حیاشی مشغولند چه تصمیمی میگیرد؟ اگر از شدت مصیبت به اعمال افراطی دست بزند تا نظام پوسیده اقتصادی دولت آقای هویدا را در هم بکوبد او میتوان ... گامگاز دانست؟ آیا از جوانی که تمام روزها بوی او و خانواده اش بسته شده باید انتظار داشت که ظلم عظیم دولت آقای ... هویدا را تحمل کند و ساکت شاهد مرگ خانواده خود باشد؟ این غیر ممکن است . این نظام اقتصادی که عدهای غارتکنند و غارت عدهها مجبور باشند سکوت نمایند و سپاسگزار دولتی که چنین وضعی را بوجود آورده باشند قابل دوام نیست . کشور ایران امروز بهشت جنایتکاران شده و آنهاییکه هنوز بای بند شرف و تقوی و مذهب هستند خود را در جهانی سوزان احساس میکنند .

... علیاحقرتا اگر در ایران آزادی بود و احزاب به معنای واقعی وجود داشتند اگر در ایران انتخابات مجلسین حقیقی بود و روزنامه ها مانند تمام دنیا ناشر اخبار عمومی و مدافع حقوق مردم بودند مسلماً ناراحتی های جامعه و اختلاف سطح طبقاتی باین حد نبود . قطعاً علیاحقرت تاریخ را مطالعه و توجه داشته اند که قبل از هر فاجعه در کشورها بی اعتنائی بقانون و اختلالی شدید طبقاتی بوجود آمده کهصیان عمومی را در پی داشته است . این برای همگان روشن است که امروز ... قانون اساسی و حقوق بشر به بدترین وضع با تشنیل حکومت یک حزبی که مخالف قانون اساسی و اهلایه جهانی حقوق بشر است درصحن ما نقش شده و انتخابات مجلسین که توسط دولت آقای هویدا بعمل آمده هیچگاه بود قبول مردم نبود است و این نقض قانون علت و ریشه تمام ناراحتیهای صحن ما است علیاحقرتا طت ما لزند اشتن آزادی رنج میبرد و فریاد مردم کهخواستار برکناری دولت آقای هویدا و انحلال ... حزب خلق الثانیه رستاخیز و انتخابات واقعی هستند از هر گوشه و کنار بگوش میرسد . مردم خواستار آنند که بحساب داری و نیزه ، وکیل ، تیسار و سرمایه داران بزرگ رسیدگی شود .

عموم مردم هم او رو حانی و بازاری و جوانان ص بانی - دانشگاهی همه یک کله را میگویند : آزادی . آزادی . آزادی . شعار تمام مردم ایران امروز یکی است یا مرگ یا آزادی که بحق در این راه مفسر با نهایت جسارت فد آگاری میکنند . طت ما آزادی میخواهد و دولت مخالفین را بسا کمونیست و پامارکسیست اسلامی معرفی میکند و مشتی کارهای ساختنی را بنام پیشرفت معیرالمقول به جامعه ارائه میدهد ولی مردم معتقدند که کسی که آزادی نفاور هیچ چیز ندارد . آزادی را نمیتوان با اسفالت خیابان ، پل هوایی و ازاین قبیل کارها تمویض نمود . اطاق زندان را هر قدر تزئین کنند باز هم زندان است و قابل زندگی نیست چون در آن آزادی وجود ندارد . وقتی تمام حقوق جامعه از طرف دولتها پایمال شد صیان طتها حتی است و این اصل را همگان قبول دارند .

۴

اخیرا نامه سرگشادهای از سوی کانون نویسندگان ایران با اضا" چهل تن از سرشناس ترین نویسندگان و شاعران و ترجمان کشور خطاب به عویدا ، نخست وزیر منتشر شده که در زیر بخشهایی از آن میآید :

... نشر کتاب و به پدایر کلی ترویج هر نوع آثار فکری و هنری بخشی از سائله وسیعتری است که فرهنگ ملی ناپیده میشود و چارهجویی درباره" این ساله هم ناچار وابسته به اقدام و مشارکت فعالانه" کلی است که در نار خلاقیات - فرهنگ و آفرینش فکری و هنری در صف هم قرار دارند و زو ارزشهای قوی یا ملی فرهنگ جامعه را با آثار خویش زنده میدارند . تفکر و چارهجویی درباره اینکه چرا چنین مشارکت فعالانه و درگیرندگی وجود ندارد ، ما را برانگیخت تا چنین ناطای به حضور آنجناب بنویسیم .

... فرهنگ و خلاقیات فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی بهجرات می توان گفت که نشانه های بسیار نگران کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیدا است که ابعاد آن هر روز گسترده تر می شود . به عقیده ما این وضع ناشی از عوامل پیشیا افتاده" فنی و مالی در زمینه" نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می شود ، بلکه در درجه" اول بسته به محدود بودن شدید شرایط تفکر خلاف و آزادانه برای نویسندگان ، شاعران ، اندیشمندان و کلیه کسانی است که در عرصه" فکر و هنر صلاحیتی بالفعل باالقوه دارند . همسرمیوچط به ظوابط شدیدی سانسور است که دستگاههای مختلف دولتی اعمال میکنند و سوجین ساله در زمینه شکل کتاب ناشی از محدودیتهای شدیدی است که در جهت مطالعه" کتاب برای مردم اهل مطالعه ، بخصوص -

جوانان و دانشجویان موجود آمده است.

محدودیتها، فشارها و عوامل باورنده‌های که در برابر خلاقیت فکری و فکری وجود دارد نفعها ناشی از مقررات و روابط قانونی و دیموکراتیک نیست، بلکه «القا» درخواست - دستگامها و اشخاص مختلف و ناشی از بی‌اهتمامی آنها به قوانین رسمی و آزادیهای انسانی است. با توجه به قانون اساسی که مصوب نظام دیموکراسی و ضرورت کشور است، رنگامی به وضع موجود به جرأت می‌توان ادعا کرد که از مدت‌ها پیش کلیه مواهب از قانون اساسی که ضامن حیانت و تقویت ریشه های اصلی انگیزه‌ها و محرکهای فرهنگی و خلاقیت فکری پرشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است، القای به وسیله دولت و ساوانهای ناپه‌مان به حال تعلیق و تعطیل درآمده است. نویسندگان و روشنفکران و اندیشه از نمونه تأمین حقوقی و قضایی و سیاسی و اجتماعی، معروضند و در برخورد با قهر عوامل دولتی و سانسور، هیچ مرجع و تکیه‌گاه رسمی ندارند. چه بسا کسانی را میتوان نام برد که به جرم تألیف یا ترجمه و یا حتی خواندن کتاب‌های مبارز زندان بسربرد و اندوهی برند. عوامل اساسی خلاقیت فرهنگی و فکری وجود خصلتهای سیاسی و اجتماعی و قضایی برای آزادی فکری و اندیشه، و آزادی صافانه، افکار و تشکیل اجتماعات و چاپ و انتشار کتب و مجلات و مطبوعات جدی است که در قانون اساسی ما وضع آن و اغلاصه جهانی حقوق بشر به وضع پیشین پس شده است.

... متأسفانه آثار و علائم انحطاط و رکود فکری و نوازایی علمی و بی‌رونتی و جمود فرهنگی به روشنی در جامعه امروز هویدا شده است و هر ایرانی علاقمند به سرنوشت ملی و قومی خویش را این انحطاط عمیق تأثیرش در وضع اجتماعی کشور نگران کرده است. اگر بنا باشد که ما بعنوان ملتی آزاد و سر بلند و متکی به کار و فرهنگ خویش در جهان باقی بمانیم، و میراث ملی و فرهنگی گذشته خویش را که در جهان درخشش کم نظیر را دروایس ادبی کنیم، ناچاریم که قدم پیش‌بیم و - محدودیت‌های موجود را برداریم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروه‌های اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم. برای رسیدن به این هدف در چارچوب قانون اساسی کشور محدود و ضمیمه اغلاصه «حقوق بشر» ماده ۱۱ کنندگان این نامه تقاضا داریم:

- ۱- کانون نویسندگان ایران که رونوشت اسامنامه آن به بی‌وقت تقدیم میشود و تقاضای ثبت رسمی آن شده و بر جواب مانده است، بعنوان مرجع برای تماس و افکار روشنفکران ایران امکان فعالیت رسمی بیاید.
- ۲- هرگونه ظنمی در راه تأسیس محل یا باشگاهی برای اجتماع همه ای کانون در تهران و شهرستانها رفع شود.
- ۳- برای انتشار نشریه‌های جهت کانون و توزیع بلا مانع آن در سراسر کشور تسهیلات قانونی فراهم گردند.

رسوایی برق و ...

تا آنجا که ما ابوعات دست‌آموز و بلندگوهای هرزه در او شاهزده خبر میدهند، اختلالات برق و خاموشی نای گریز و کنترل ناشدنی تاکنون به ... کارخانه و مجتمع صنعتی کشور دره های فلج کننده ملی وارد آورده است. تنها در تهران ۱۸۰ کارخانه بزرگ بتدریج به بهانه تعطیلات تابستانی و ناز را متوقف کرده و میکنند. صنایع کلیدی کشور در حال نیمه تعطیل اند، دردها واحد صنعتی در رشته‌های گوناگون به‌ویژه رشته‌های ذوب‌فلز، شیمیایی و حرارتی بر اثر عجز و مرج در انرژی الکتریکی (خاموشیهای وقت و بی‌وقت و تغییر ولتاژ برق) خراب شده و خسارت دیده‌اند. میزان خاموشیها تنها در هرصه صنعتی کشور صلیبها تا توان تخمین زده میشود. مرغد اربها، تولید کنندگان لبنیات، سردخانه‌های مواد غذایی تولید کنندگان دارو، بیمارستانها و مراکز درمانی (از جمله مراکز نگهداری خون و اندامها و لخته‌ها، ذخیره) و کارخانه های - سیمان و مصالح ساختمانی و تأسیسات بیمار دیگر زیر ضربات و خسارات مادی و فنی (و نیروی کار معدوم رفته) کمر خیز کرده‌اند و بعضی از آنها در آستانه از هم پاشیدگی اند.

افتضاح کمبود برق و خاموشیهای طولانی، اغلب با قطع آب در محلات مختلف شهر، به‌ویژه نواحی جنوبی تهران و مراکز تجمع و تراکم زحمتکشان شهرها (چون گلی که به‌سبزه آراسته شود) کامل میگردد.

در گرمای طاقت فرسای تابستانی، بیشترین فشار و ناراحتی را توده‌های زحمتکش مردم عادی - و بی‌حق و وسند و پارتی - تحمل میکنند. در این زمینه هم مانند زمینه‌های دیگر قانون رایج پارتنی تبعیض، طولانی‌ترین ساعات خاموشی و - مشقه‌های آن را نصیب اکثریت زحمتکش و طبقات تهیدست تر میکند!

در این احوال، شاه شاهان و خانواده‌ها نازک تراز گلش (لا بد از غم ملت!) به کاخهای بیلاقی و صفای شمال بناه برد و مانند با قاپقرانی و اسب سواری و هلپکوتیرانی و شنا و قمار و ... ناراحتیهای مردم را فراموش کنند! و نسبت وزیر نورچشمی دوران "انقلاب شاه علیه ملت" بزرگ چاره‌جویی این بفرنجی که کمتر نظیری برای آن در سالهای اخیر تصور است، به جزایر بهشتی و خوش آب و هوا اروپا تشریف فرما شده‌اند! این هم یکی دیگر از مظالم بی‌شمار است. بسیار بسیار همین شاه و ملت! یا بحرین به‌سابقه برق و خاموشی تولید در سطح انواع - فرآورد مناس و بخصوص کالاهای مصرفی روز و مواد غذایی، محدود نگران کننده‌های یافته‌است. این گامی از ۲۰ درصد کل تولید کارخانه‌ها آغاز میشود و بقول طاهر خمینی رئیس‌اطنای بازرگانی تا ۴۰ درصد و به گفته وزیر صنایع و معادن تا ۶۰ درصد - میرسد و این در حالی است که ما حتی در مطلوب‌ترین موقعیت تولیدی خود وارد کننده بسیاری از فرآورده‌های مصرفی روزانه

نیروگاههای آبی برای کشور بی آب

این از عوارض و آفات بدی است که مصلحت است که تصمیمات دولتی و ملی حکومتی و سیاست های اداری و تابع سلیقه افراد و در حوزه نظرات خلقی السخه و افکار تنگ و محدود افعال کنندگان قدرت باشد. نمونه بارز چنین - تبحر و آفتی را در سیاست انرژی دولت به روشنی می بینیم. سالهاست که کارشناسان و اهل فن فرهاد میزنند که تکسیه روی نیروگاههای آبی در کشوری که در تمام طول تاریخش از کمبود آب رنج بردماست نه يك اشتباه بلکه خیانت است. برای کشوری که در ارای عظیمترین ضایع نفت و گاز است، مظهرتیز از نیروگاههای حرارتی تصور نیست. در اروپا و آمریکا با وجود وجود بارندگی و وجود ضایع مطیب آب (و نه یقه ضایع نفتی) از نیروگاههای آبی تنها به عنوان ذخیره استفاده میکنند. اما طراحان و نقشه ریزان ماکه جلوتر از بهی خود را نمیتوانند ببینند و امید بند و پستهای خارجی و ضایع شرکتها و انحصارات امپریالیستی هستند نه به اضمای صالح ملی بهل به اصرار کارشناسان شرکتها اروپائی و آمریکائی نیروگاههای آبی را برای تأمین برق کشور تجویز کردند و با این خیانت ضعیف و زندگی مردم و گردش چرخهای مملکتی را به بارندگی های غیر قابل پیش بینی و بالا رفتن احتمالی آب در پشت سد ها شروط نمودند. بهین دلیل است که اینک با کاهش سطح آب در پشت سد رضا شاه (با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات) و سد دوز و سد محمد رضا شاه ابعاد فاجعه انرژی گسترده تر شده است.

نیروگاههای اروپائی و آمریکائی از دولتی سر نفت ایران ما حرارتی هستند، اما نیروگاههای کشور نفت خیز ما در شرایط خشکسالی معمولی منواتی، نیازند قطرات آبی اند که ابرهای والهوس باید بپوشاند.

چنین است معنای سیاست صنعتی ملی به سبک شاهان تازه رهم خائن و جنایتکار شاه بهمین هم بکنده نکرده است و نیروگاههای آبی را با آن مخارج افسانهای در جهت اهداف پلید سیاسی - نظامی خود اما به حساب شروجهای ملی بر یا حد ارد که او انهم خود نیاز آنها را باید از کشورهای امپریالیستی، با تمام وابستگی های سیاسی نظامی ناشی از آن، تأمین کرد. تازه انرژی حاصل از این نیروگاهها ۱۳ پارکیزان تراز انرژی حاصل از نفت و گاز برای طتما تمام خواهد شد.

شاهشاهان که برای تحصیل سیاست انرژی خود به نفع شرکت های خارجی و به طمع حق دلالی و رشوه های کلان در این معاملات سنگت و مرتکب جنایاتی به مقیاس تمامی کشور شده اند، باید مسئولیت تمامی خطرات مادی و معنوی و جان های بیشتاری که در بیمارستانها و درمانگاهها بخاطر مروج و مروج برق فد انده اند، به عهد بگیرند و حساب بایع حضرتالت و وطن فروشان و قانون شکنی را بس بدهند.

از خارج هستیم. واقعیات درونهای تیره ماههای آیند بر از هم اکنون در برابر چشم ما تصویر میکند. طی یکی دو ماه آینده با تکسیدن ذخایر انبارها و فروشگاهها، ساله کمبود و بازار سیاه بسیاری از محصولات که در مواقع عادی نیز با آن درگیریم ابعاد وخیم تری می یابد و باز مانند همیشه بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و - افزایش نرخ تورم و گرانی و زندگی سوت و کور و بی زمینگی کسان بهیژه کارگران و اکثریت کارندان، بیش از پیش در معرض تحمیل و فشار جدید و انواع مصروصیت ها قرار بگیرد. سالهاست که در ازای صرف بیرویه، ثروت نفتی و انواع کامیونتها و تریلی ها و هواپیماهای عظیم حمل و نقل و کشتی های باری و واگن های قطار و انواع محصولات را (از تخم مرغ و گوشت و روغن و کره و گندم و برنج و بیاز و سبب زمین و غیره گرفته تا انواع وسائل نقلی و صنعتی) از کشورهای مختلف به ایران می آورند. (هفته هاست که تنها برای تأمین تخم مرغ صرفی روزانه کشور هر روز با هواپیما ۸۰۰ تن تخم مرغ از اسرائیل وارد میکنند و باز با کمبود وسیع تخم مرغ روبرو هستیم) سیاه کمبود و کاهش تولید داخلی در چنین فن و فنیائی است که با سایه روشن شوئی تکوین می یابد، چراکه - اسکله ها و گمرکات و انطباق وسائل حمل و نقل زمینی و هوایی ما ظرفیتی بیش از این ندارند (بیان بیابیم که تنها در سال گذشته مادر حدود ۹۰۰ میلیون دلار، به ۹۰۰ میلیون - دلار، هزینه سرشار و کشتی های منتظر رادر اسکله های ایران برداختیم) به این ترتیب کاندش عظیم تولید داخلی که باید با حجم غول آسای واردات خارجی جبران شود معلوم نیست چگونه تأمین خواهد شد. (باید خوشبین بود و ۴ میلیارد کسری برداخت خارجی سال گذشته دولت رانده گرفت! از معجزات آریامهری نباید غافل بود!)

ساله قحطی برق صرف نظر از همه جوانب صهیبت بار و در عین حال افشاگرانش، به ویژه از این دیدگاه قابل تأمل بیشتر است که بصورت مرکز تقاطع همه معايب و فاسد احتمالی و کهنگی و پوسیدگی وسائل و شیوه های حکومتی و عوارض اختناق و سیاه ست های تمدنی و ایران بر باد ده رهم آریامهری در مقابله با واقعیات و مقتضیات جهانی و جامعه امروز ایران در آمده - است.

بیش از آنکه ماجراهای ننگین و انگیزهای واقعی بحران ناگهانی برق را که رهم بخاطر جنبه های شدید افشاگرانش در کمان آن میکوشد، بر ملا کنیم و بیش از آنکه جوانب گوناگونی عوارض داشته دار این حادثه را در زندگی مردم، به ویژه طبقه کارگر ایران بررسی نمائیم، بر ضروری است که به شرایط ناخوشایندی که ترازوی برز، و تمامی صائب و بلایای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ما ناشی از آنست، به اشاره و بطور گذرا نظر کنیم:

رژیم گپنه و نامعاصر

واقعیت این است که کشور ما در راه رشد سریع ضایعات سرمایه‌داری گام نهاده است و این امر را با آشنایی شتابناک می‌بیماید. سرمایه‌داری ایران که باتکلیه برضایع عظیم درآمد نفت تکیه کرده است در باره‌ای اورت نه تا حد انحصاری و نیمه انحصارات رشد کند و با درنم جوشی و بیوند سرمایه باطنی و صنعتی، تقابل‌های مالی برهترتی ایجاد نماید و برترتار از مسائل و عوارض برنگارنگی برای کشور ما به ارضان آورده و در مجموع سبب شده و تاواید و نایامات اختصاصی - اجتماعی ما گسترده و پهنتر و متنوع شود. رژیم سرمایه‌داری ایران بزرگ و مالکان عده اتری (که درم پیوندی با سرمایه‌داری جهانی یعنی - امریالیسم است) چون اودهای عفت سری عده شئونات و - امرچهای حیاتی جامعه را در میان جنبه‌های خود گرفته است و دربار پهلوی به شاهه عفت سر این اودهای برارشتهاوسیری نابذیر عمل میکند. با اینحال نظر به پیچیدگی روند تکاملی - جامعه در شرایط سرمایه‌داری معاصر، شیوه‌های حکومتی غربی و دیکتاتوری شاه و خاصان و حاجبان و اعیان و انصار او و دست‌نکته‌های پهلوی و اناری و خواهد قلمانی و محل‌های حقنه آن به شدت با اورتاع و احوال امروز (هم در ایران و هم در جهان) ساز و نامعاصر شده است. این شیوه‌تنگ و محدود حکومتی رفته رفته بصورت سد و مانع اصولی در جهت پیشرفت و تصویق و گسترش ضایعات سرمایه‌داری در کشور ما درآمد، از این رو محتوای روند سرمایه‌داری ایران با شیوه‌سیاسی حاکم بر آن به شدت در تضاد قرار گرفته است. رژیم در حالیکه از یکسو به کارگرها سواد و تخصص و گسترش شبکه دانشگاهی کشور برای تربیت کادر - وسیع مهندسان و تکنسین‌ها و مدیران و بوروکرات‌های کبابسد چرخهای او را برگردان در آورند و ازلره کنند نیازند است و بخاطر خصالت مبدی ارتجالی و غیبه ملی خود و از این بیشتر به اقتدای حکومت دیکتاتوری خود نگاه فرس نمیخواهد و نمیتواند به دیگران اجازه دخالت و شرکت در امور مختلف اجتماعی و - اقتصادی و سیاسی را بدهد. سانسور و اختناق و ترورد و لیس و گسترش شبکه‌های زندان و تکیه بر سرنیزه و پایمال کردن قانون اساسی و ظهیر و به تبعیت از خصالت دیکتاتوری فردی و شیوه معمولی حکومت سیده و این شیوه آمکار با توسعه دانشگاهها شبکه‌های درمانی و بهداشتی (چراکه سرمایه‌داری به نیروی‌کار احتیاج دارد و کارگرسالم و تندروست بهتر و بیشتر میتواند نیروی کار خود را به ثمن بخش بفروشد) و توزیع اختیارات و مسئولیت‌ها جایگزینی روابط بجای روابط ایجاد بنیاد و تاسیساتی کبیر حرکت‌های اجتماعی - اقتصادی نظارت داشته باشد و از پایمال شدن ضایع طبیعه و رژیم آن بخاطر ضایع انفرادی از آن طبیعه و رژیم جلوگیری کند و فرام آورند موقعیتی که شکاک بین دولت و مردم تا حد مکن ریوشی شود و مردم در احساس کاذب - مشارکت در امور مطلق و نیروی کار بیشتری بنفع رژیم صرف -

نمایند و در تضاد و تناقض قرار گرفته است. در چنین شرایطی است که رشوه و ارتشاء و فساد و دزدی و حیف و میل کردن ثروت‌ها و دارایی‌های عمومی و فرار از کار و مسئولیت و شیوع روحیه نااضی و دروغانی و مجیزگی و هنرگز نش کردن بمصنعا و صاحبان صنعد و حرف زدن به جای عمل کردن و خلاص ناشی از عمل نکردن ربا تله‌بخت و جار و جنجالهای کاذب موی پشتوانه برگردن و روحیه تسلط جامعه می‌شود.

در ارتش دزدی می‌شود و در وزارت بهداشت دزدی می‌شود و تنها در یک معاطله شکر در وزارت بازرگانی ۲۰۰ - میلیون دلار در جیب‌های حق و پرنشدنی فرو میرود و کم می‌شود و میلیون‌ها دلار بر سر روزمرترین و طبیعتی ترین مصادرا مطلق بلعیده می‌شود. کارگر به اگراه کار میکند و کارخذ به دلسردی و نومیدی میگراید و به این جریان عظیم فساد - اجتماعی یعامت میکند یا تکین می‌نماید و با آن می‌آمیزد و قس‌لهیذا

بله و دیکتاتوری که هیلاردها به جیب میزند و تارک و رشوه فاسد است و خود بزرگترین قانون شکن و بزرگترین دروغ گو است و نمیتواند بخواند (و البته نمیخواهد چون در آنصورت شرابا صلعد برای ادامه زیست او از بین میرود) و انتظار داشته باشد تا دیگران دزدی نکنند و با فساد مبارزه کنند و هستی خود را وقف رژیم نمایند.

خلاصه کنیم: گسترش ضایعات اقتصادی اجتماعی جامعه باحدت و شدت باشک حکومت فردی و دیکتاتوری شیفاشیستی آن دچار ناسازگاری عمیق شده است. تنگنهای ناشی از این تناقض و تضاد گاه و بیگاه بشکل گنبدی‌گی‌ها و رسوائی‌هایی در این سو و آن سو رخند میکند و در نهایت چوب‌لای چرخ پیشرفت نیروهای مولده میگردد. وقتی کار به آنجا می‌رسد که بر اثر سوء سیاست و دزدی و رشوه‌خواری نوکران و نمایندگان رژیم و برقی سلطت دچار اغتالات عظیم می‌شود و دیگر نه تنها سرمایه دار ملی و نه تنها سرمایه‌دار وابسته به امریالیسم (کمپرادر) و نفتنها سرمایه‌دار کلان و بلکه حتی سرمایه‌داران خارجی هم که مستقیقا به خوان بیضای ایران آریامه زده - دعوت شده‌اند و دچار زیانهای سنگت و خشم‌آور میشوند و ضرورت تغییر و تحول در این ضایعات تنگ و محقر سیاسی را که این نوع بیماریها و عفونت‌ها نتیجه ناگزیر آن است پوشرح در می‌یابند.

گاهی آتش آنقدر شعله می‌شود که آتش‌زبانی هم متوجه می‌شود!

حقایق پشت پرده ماجرای برق

ریشه‌های بحران گشوی برق از سوء استفاده‌های صبه‌ت‌کننده و دزدی و رشوه‌خواری در باره‌های وزارت نیرو در زمان روحانی آب می‌خورد. در جریان ایجاد شبکه سراسری برق

توسط روحانی (این همو فعال شبکه نیروی ضد بهائیت ایران) علاوه بر حیفا و جیلو دزدی های کلان و رشوه گرفتن های دوار انگیز و بیشرمانه به جای وسائل و تجهیزات از زمین گذشته و طردن و در بسیاری از موارد وسائل و ترانزیت های خریداری شده که نحوه های آن از دور خارج شده بود ، بدیهی است این ترانزیت ها که به بهای ارزان خریداری شده و با حساب سازی های وقیحانه به قیمت های گزاف به دولت قالب گردیده از همان روزهای اول قادر نبودند در حد اکثر ظرفیت خود نیازهای برقی مملکت را تأمین کنند . فی الصل از ۲۰ نیروگاه های و حرارتی کشور که حد اکثر ظرفیت آنها ۳۳۰۰ مگاوات است ما هرگز نتوانستیم ۴۲۰۰ مگاوات برق مورد نیاز کشور را بدست آوریم . این واقعیت را حتی روزنامه دولت کیهان در گزارشی که در روز اول مرداد ماه جاری به چاپ رسانده تأکید کرد : « کارشناسان برقی اظهار نظر میکنند که از ۱۸ سال پیش قدرت تولید برق نیروگاه های ایجاد شده از میزان صرف بیشتر بوده ، با این وجود در تمام این مدت با کمبود نیروی برق روبرو بوده ایم . »

طبیعی بود که وسائل و ترانزیت های از دور خارج شده های که توسط دلالان ماه از جمله روحانی خریداری شد ، خیلی زود دچار اختلال شود . این حادثه صحتی بود که از روز اول پیش بینی میشد . وقتی باره ای از تأسیسات از جمله ترانزیت ها از کار افتادند و به وسائل بدکی احتیاج پیدا کردند ، یافتن ابزار بدکی آنها صبر نبود ، چرا که این ترانزیت ها دیگر در کشورهای تولید کننده آن مورد استفاده قرار نمی گرفت و از دور خارج شده بود . از این رو ساختن وسائل بدکی برای شرکت های سازنده مقرون به صرفه نبود . برای ساختن اختصاصی وسائل بدکی مورد نیاز دولت ایران تقاضای ۵۰۰ میلیون دلار بول شده رقم سرسام آوری بود . کار به چانه زدن و کت و واکنش انجامید و با خارج شدن هر ترانزیت از شبکه سراسری و از کار افتادن هر نیروگاه فشار شدیدی بر دیگر نیروگاه ها وارد آمد که خود سبب فرسودگی و سرانجام اختلال وسیع تر در شبکه سراسری برق شد .

در حالیکه این جریان در شرف انجام بود کمپانی های سازنده نیروگاه های ایران که علاوه بر سود های هنگفت ناشی از فروش های عظیم خود به دولت ایران ، هزار کارشناس و تکنسین خود را با حقوق های گزاف (تا ۴ هزار تومان در ماه) به دولت ایران تحصیل کرد بودند ، دست به خرابکاری های عمدی در بعضی نیروگاه های ایران زدند تا اداه خسار کارشناسان به کار خود را توجیه کنند و نیز وسائل جدید را با قیمت های سنگین تر بجای وسائل آسیب دیده به ایران بفرستند . در این مورد به عنوان مشت نمونه خروار به چند مورد اشاره می کنیم . نیروگاه شهریار که ظرفیت آن بیش از ۶۰۰ مگاوات است یکبار به علت ورود اسید به یکی از دیگ های نیروگاه دچار

خسارات سنگین شد . کارشناسان این حادثه را عجیب ، بی سابقه و عمدی اعلام کردند ، اما ماجرا پرده پوشی شد . در نیروگاه ضحیل که با بود واحد خود در حدود ۲۵۰ مگا وات به شبکه سراسری برق میدهد ، چندی پیش یکی از توربین ها به علت ایجاد ترک هایی در لوله انتقال بخار از فشار قوی به فشار متوسط از کار افتاد . کارشناسان این حادثه را نتیجه يك اشتباه خطرناك تشخیص دادند که بر اثر آن در بردها رسوب و در لوله ترك خوردگی ایجاد شده است .

کارشناسان خارجی نیروگاه در بخش شمیری معقول مستقیم حادثه اعلام شدند اما با وجود خسارات سنگین و طعنا ماست مانی شد ! در نیروگاه های دیگر که از جمله فرج آباد و طرشت نیز حوادثی از این قبیل که تخصصین و بازرسان ایرانی وزارت نیرو در گزارش های خود آنها را خرابکاری یا سهو مقرون به خرابکاری تشخیص داده اند ، نظایر زیادی داد که بخاطر تماریف قبی آن از ذکر یکایک آنها میگذریم . فقط به این نحوه بارز خرابکاری در نیروگاه طرشت اشاره میکنیم که به علت آن خسارات سنگینی به نیروگاه وارد آمد و پس از تحقیق معلوم شد که مقدار زیادی عن در صافی های بخار توربین ریخته اند . در این نیروگاه چند لوله و دیگ بخار منفجر شد . دلائل این انفجارها و نیز نواصی دیگر این نیروگاه نیز هرگز افشاء نشد و پرونده آنها با یکانی گردید . و اینک نسبت نیروگاه رشا شاه است به آبروی بی کرامت انگیزی به مقامات عالی ها و تارکی های وسیع کشور



خیانت به ضایع و صالح ملی هر روز مرزهای وسیع تر و کیفیت تبخیر انرژی پیدا میکند . برای رنجی که سرسپردگی به امپریالیسم و شرکت ها و انحصارات و سرمایه های خارجی را با همای شدت و اعتقادی دنبال میکند که همین پرستان و آزاد بخوان را به زندان و شکنجهگاه میفرستد و مرخواست و آرزوی شریف و انسانی و هر مطالبه تودم های را با خشن ترین و وحشیانه ترین اسلوب و وسائل سرکوب مینماید ، با این کار فراموشد . او باید در باغ لای هستی گدیده خویش و در تلاطم تشاد های سبکین و تناقضات روزی که خود آفریده فرق نمود و بنزله دان تاریخ بپفتد تا بحران برق و عناصر عدم آور آن به اشکال و در زمینه های دیگر تکرار نشود .

تحقیق این ضرورت تاریخی و ملی درست هم آوازی با شعر روز حزب تسوده ایران است که تمامی طبقات و اقشار و عناصر همین پرست و در دریم مطلق استبداد را به وحدت عمل در يك جبهه گسترده ضد دیکتاتوری فرا میخواند .

بحران برق و بی آبی های ایامه خیز آن بار دیگر حقیقت و صرم بودن وظایفی را که در بانگ این شعار صبح میزند تا گیسب میکنند

بیرامین برخی مسائل کارگری

توسط نمایندگان کارگری

در رابطه با بحران برق

بیش از آنکه ساله رسوائی برق پیش بیاید و هم سد ملی و تمد کارگری تدابیری را در جهت تعدیل استعمار کارگران توسط سرمایه داران بزرگ و صاحبان انحصارات زمین چینی بکند که اعم آن در مقررات انضباطی کار مقرر است. در رأس تدابیر جدید دلیل تراشی تا و بهانه گیری های بی ضابطی بودن آنها به نفع سود ویژه کارگران را که حاصل مبارزات مستمر و پیگیر این زحمتکش ترین و بی نصیب ترین طبقه کسری بود - باهمال کنند. از این رو پرداخت سود ویژه موقوف به بازدهی کار و میزان سود دهی واحد تولیدی شد (که طبیعتاً است با حساب سازیهای سرمایه داران و گفرض وسائل و شبکه های تولیدی آنها به حساب مخارج نیروی تولید دیگر محلی برای پرداخت سود ویژه باقی نمی ماند). ساله خاموشی های برق و کاهش تولید واحد های صنعتی کشور، اینک بهترین بهانه را در اختیار رژیم قرار داده است تا توطئه تمد کارگری خود را با قیافه حزبی جانی به مرحله اجرا درآورد. در ماجرای برق و خسارات و زیانیات و آثار ناشی از آن همانند آنچه قبلاً شرح دادیم بیشترین فشار بر زحمتکشان و به ویژه کارگران وارد - خواهد آمد و به این ترتیب کارگران در معرض فشار و ولای های قرار میگیرند که یکی از آنها ناشی از سوء سیاست و فساد رژیم و دیگری ناشی از اتمتهای سرمایه داران برای غارت و استثمار بیشتر است. زمره خود داری از پرداخت سود ویژه از هم اکنون آغاز شده است و علاوه بر آن بچه بچه دیگری هم در گرفته است. ساعات کار کارگران در پاره ای از واحدهای بزرگ تولیدی از روز به شب منتقل شود. از آنجا که مزد ساعات کار در شب ۳۰ درصد بیشتر از روز است، نمایندگان دولت و تخطی های او کارفرمایان بهم خود این ضرورت را پیش کشیده اند که در شرایط اضطراری باید ۳۰ درصد اضافی کارمندان حذف شود طبقه کارگران باید از هم اکنون خود را برای مقابله با این نوع سیاست آماده سازد. رژیم سرمایه داران داخلی و خارجی از کارگران بردگان کار ساخته است و اینک در تدارک آنست تا این بردگان را به بیگاری بیشتر و محرومیت جانگازتر و دستمزدهای کمتری دعوت کند. تنها تفکک و مبارزه اصولی بر موازین تجربیاتی که طبقه کارگران طی سالهای مضامی کار و بیگاری وخته است میتواند انواع توطئه های رژیم و دست بردگان و همپالکی های آنرا نقش بر آب سازد. رژیم برای جبران خسارات سرمایه داران عده در جریان بحران برق، بررسی طرح ها و تدابیری را آغاز کرده است (کمیته های تخصصی از طرف دولت و بازرسی شاهنشاهی برای ارزیابی و برآورد زیانهای کارخانه های بزرگ تشکیل شده ولیست بزرگی تا گین تهیه کرد مانند). به الیکارشی مالی ایران و سرمایه داران

کارگران اتخاذ شود و نتیجه کار آئین نامه انضباطی کارگران بود که اخیراً به شکل نهایی خود اعلام و منتشر گردید و دست سرمایه داران را از هر جهت برای اعمال فشار بر کارگران و تشدید بهره گیری از آنها باز گذاشت. قرار است در نخستین مرحله این آئین نامه مدت دو سال در هر ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی کسری، اینها را یک میلیون کارگر ببرد اجرا گذاشته شود. مواد این آئین نامه تماماً به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران است و عرگونه عکس العمل و تمسکات لغتنامه و اختصاص کارگران را با توییح و تنبیه و کسر کردن دستمزدها و اخراج و البته سرکوب و زندان پاسخ میدهد. رسیدگی که برای حل و فصل موارد اجرا شده م اجرایی این مواد - پیش بینی گردیده نیز خود گویای ماهیت تمد کارگری این آئین نامه است. در این کمیته ه نظری سه نماینده مستقیم کارفرما (مدیرین و کارگزارانی، نماینده تام الاختیار کارفرما و مدیر فنی کارگاه) و دو نماینده غیر مستقیم (او نماینده کارگران؟ و نماینده سندیکا - چرا که این دو نیز معمولاً تحت نفوذ و نظر کارفرما انتخاب میشوند) شرکت دارند و در نتیجه همه تصمیمات آن بی شک علیه کارگران خواهد بود. (ط در شماره های آینده مورد به بررسی تفصیلی این آئین نامه تمد کارگری خواهیم پرداخت).

سخن بر سر اختصاصهای کارگری سال گذشته بود که یکی از خواستهای مشترک همه آنها اتمانه دستمزدها توجه به رشد سریع و بی بند و بار هزینه های زندگی و کاهش سطح زندگی کارگران و خانواده آنها بود. وزارت نایر اثر فشار جنبش اقتصادی کارگران مجبوره تجدید نظر در حداقل دستمزدها شده و پس از یک رشته محاسبات من درآوردی و مخرونج (تا کارگران از آن سردرنیاورند!) آن را به ۱۵۰ ریال رسانید که با هیچ لغتنامه کارگران روبرو شد و در نتیجه وزارت کار در اواخر سال گذشته رسماً اعلام داشت که در میزان رسمی حداقل دستمزدها بزرگی تجدید نظر خواهد کرد. با این همه کارگران سیاست صبر و انتظار پیشه کردند تا اینکه اخیراً وزارت کار حداقل دستمزدها را ۱۸ تومان اعلام کرد که خشم کارگران را برانگیخت. چرا که در شرایط کنونی قیمت ها و گذران زندگی (هر چند محقر و فقرا چیز) با طاعتی ۱۸ تومان برای یک خانواده حداقل چهار نفره کارگری به هیچ وجه امکان پذیر نیست و این خانواده مقدار واقع در صورت گرسنگی، بیماری بی سکنی و فقر و همزمان دانی هستند در چنین شرایطی و در بر او هر یک چنین رژیم بی مسئولیت تمد مردمی کارگران - چاره ای جز تشنگ و مبارزه منجیه روحها تنگ صفتی و سندی بیگانه و سرانجام سیاسی برای استیقای حقین حقه و قانونی خود و در نهایت بر انداختن رژیم تمد کارگری موجود ندارند.

بزرگ به حساب طاعت و از خزانه او کتک میشود و اما بجای - جبران خسارات زحمتکشان و کارگران و حقوق ناچیز آنها را میدزند و برای یابان کردن مزایای اندک آنها توسط سرمایه چیننده این بی شرفانه ترین نوع تبعیض و استثمار و فارتگری است زانها و آنها اشتباهی عجیبی دارند!

جنبش‌ها و مسائل کارگری

تسهیل دائمی کارگران مبارز

تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت نفت آبادان که سال گذشته موفق به يك اعتصاب سازمان یافته شده بودند و خواسته های خود را به شرکت نفت و ساواک قبولانده بودند هنوز در تبعید به سر می برند و اخیرا با آن که مدت محرومیت آن ها برای ورود به آبادان تمام شده است به خانسوادیه آن ها اطلاع داده اند که اگر می خواهند آن ها را ببینند میتوانند آدرس شان را از ساواک بگیرند و برای همیشه نزد آن ها بروند چون دیگر به آن ها اجازه ورود به آبادان داده نشده است . انتشار این خبر بین کارگران شرکت نفت موجب از خشم را سبب شد باست و هزاران کارگر استتار شده شرکت نفت است این روزها به امید دیدار رفتاری آزاده و باشعور متخورد و با کینه های فراوان نشسته بی نسبت و بی ساواک و کارفرما به سرگرمی روند .

در کارخانه از مردم دعوت کرده بودند که برای شرکت در جشن روز کارگر (اول ماه مه) به داخل کارخانه بیایند . در جریان این جشن ها کارگران طی سخنرانی هایی واقعه تاریخی اول ماه مه را برای شرکت کنندگان تشریح کردند و لزوم افشای همه کارگران را برای دفاع از حقوق خود یادآور شدند . از نکات جالب جشن های این روزها در تفرقه بود که در بیشتر کارخانه ها کارگران تنظیم کرده بودند تا بلندگوها به دست عواملی از کارفرمایان نیفتد تا با شمارهای موارضیانه و احیاناً تبلیغ برای شاه و دارودسته او به خواست و هدف کارگران که تاکید بر لزوم مبارزه طبقه کارگر برای از پس گرفتن حقوق شان است خیانت نکنند .

اعتصاب کارگران کارخانه زاگروس

کارگران کارخانه زاگروس واقع در جاده کرج از روز یازدهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند . خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزد در حد افزایش سریع هزینه زندگی بود . کارخانه زاگروس پیش از ۸۰ کارگر اردیبهشت در شیفتهای مختلف در روز و شب به کاری پرداختند . در این واحد صنعتی بیخچال های بتنی و سردخانه ساخته می شود و از آن جا که انواع بیخچال های بتنی این کارخانه که تمامی رستوران ها و لبنیات فروشی ها و واحدهای گوناگون صنعتی به آن نیازمندند هفتاد درصد بازار کشور را تأمین می کند و تقریبا نوعی انحصار به وجود می آورد سود زاگروس سرسرا آبراست . و این امری است که کارگران نیز به آن واقف کامل دارند . در شرایطی که کازرو ۱۵ ساله زاگروس حد اکثر ۱۷۰۰ تومان در ماه عایدی دارد و کارگران از روزانه بیشتر از ۲۰۰ ریال دریافت نمی دارد ، بر اساس محاسبه کارگران سود خالص سالانه کارخانه در شش ماهه اول سال ۱۳۵۶ برابر تعداد نهایی کارگران یعنی بر ضرورت اساسی ارتقا دستمزد تا مسئولان کارخانه به طور متوجه در دسترس نیستی ریال به دستمزد کارگران افزودند . اما کارگران نپذیرفتند و با توجه دادن مسئولان به سود کلان کارخانه و هزینه های سرسرا آفرینندگی در خواست ترمیم اساسی دستمزد های خود را کردند . رد پیشنهاد کارگران باعث اعتصاب شد . کارگران با لباس کار در کارخانه حاضر می شدند اما از کارسازایی رفتند

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های تبریز

چندی پیش در تبریز سه هزار تن از کارگران کوره های آجر پزی و کارگران حمل و نقل آجر در تبریز دست به اعتصاب زدند . این اعتصاب وسیع در مناسب ترین فصل ساختمان بافت رکسود ناگهانی کارهای ساختمانی در تبریز و شهرهای اطراف آن شد . کارگران اعتصابی خواستار اضافه دستمزد بودند . آن ها می گفتند با این شرفنازی که به عنوان مزد به آن ها پرداخت می شود حتی از سیر کردن شکم های خود و خانواده شان به آنان خالی و تهیه یک سر بناه برای خانواده عاجزند . از نتیجه اعتصاب خبری نداریم .

کارگران اول ماه مه را جشن گرفتند

در روز اول ماه مه در حالی که ساواک با دعوت از عوامل خود و ترتیب دادن مراسم ویژه ای مروج تبلیغاتی و تحسین کننده سعی داشت واقعه بیست و نهمه جوانه و الهام انگیز این روز تاریخی را لوستراند در ده ها کارخانه واقع در جاده کرج کارگران در پشت درهای بسته و در صورت نطق زده کارخانه ها با سخنرانی مسئولان خود و یادآوری جاننازی کارگران شیگانو جشن اول ماه مه را برگزار کردند . در بسیاری از کارخانه ها کارگران با نصب یک اعلان بزرگ روی

این جریان يك هفته ادامه یافت تا به تحريك صفولان کارخانه پلیس رواندارم بدانرا نه... برود برای شکستن اعتصاب حقه کارگران ضمن آن روپ سابقین تعدادی از آن ها متنسی چند از کارگران را بازداشت کرد. از این پس اعتصاب کارگران وارد مرحله تازه ای شد و با عکله و به دست قبلی آزادی کارگران بازداشت شده نیز به فرست تا خاندای کارگران اضافه شد. یکبار دیگر صفولان کارگران محتور و عزم آن ها برای ادامه مبارزه تا پیروزی در دستهای است.

اعتصاب رانندگان

در اردیبهشت ماه رانندگان کامیون های شرکت تراپری متعلق به ماسپور قلا مرزا در شیراز اعتصاب کردند. انگیزه زیادی در باره این اعتصاب تاکنون نرسیده است. ضمن آن در می دانیم که افزایش دستمزدهای از خواست تا علی ساسی کارگران اعتصابی بوده است. کارگران رانندگان از شرایط ناخوارکاره و وضع بد زندگی و افزایش سرمایه آبر و غیر منطقی قیمت ها و عدم توازن دستمزدها با هزینه زندگی به ستوه آمده اند.

اعتصاب کارگران موشورز

کارگران دارانند موشورز - واقع در جاده کسری - که یکی از واحد های بزرگ صنعتی است از روز ۲ اردیبهشت ماه گذشته اعتصابی را که از بدنی بپرو آغاز کرده بودند و از مرحله تازه ای کردند. آن ا مدت ۱۵ بود که برای افزایش دستمزدهای خود دست به یک کم کاری عمده و آشکار زدند به این ترتیب که در نا رانند و پای ماشین ها جا نمی شدند اما وقت تلف می کردند و به آنجا مختلف محصول کار را با همین می آوردند. کارگران می گفتند در شرایطی که قیمت ها روز به روز سیر صعودی پیدا می کند و هزینه های زندگی با آنقدر غیر منطقی و بیرون آوری بالا می رود دستمزدهای ناچیز اصلا قادر به تامین مایحتاج اولیه زندگی خانواده ایمان نیست. کارگران تقاضای ۵۰ درصد اضافه دستمزدها داشتند. ما آنچه باعث شد که از روز ۱۴ اردیبهشت ماه کارگران حالت نیمه اعتصابی و در تغییر به یک اعتصاب کامل و تمام عیار کنند و حقوق ایستادن در آن ماشین ها سر باز زنند و رفتار می بود که رئیس کارخانه کارانند نسبت به یکی از کارگران این ایسی پیش گرفت. رئیس کارخانه جنرال موشورز یک سرگ ارتشی است. او به اشکال مختلف کارگران را می آزارد. مثلا به یکی پیش از این مشاهده آن به کارگران انداز کرد که سرکاری گو چند دقیقه دیرتر از وقت عقرر در سر ناز خود حاضر شود تمام

آن روز به حساب او غیبت ضلوع خواهد شد و چنین کار آوری باید برای آن روزه خانه این برگردد. این جناب سر نقد مستبد ویراننده در روز ای که کارگران به عنوان اعتراض یکم کاری - می کردند با برخواستن جویس و دشنام یکی از کارگران اعتصابی را به باد کتک گرفت و به شدت مضروب کرد. این رفتار وحشیانه چشم کارگران را برانگیخت و آن ها متقابلا عکس العمل شدید تری نشان دادند و در نا رانند در پای ماشین ها سر باز زدند. کارگران جنرال موشورز که در اعتصاب و اعتراض خود یکپارچه و هم بودند و پیش از تبدیل حالت نیمه اعتصابی به اعتصاب کامل و یکساز مهندسین اعتصاب شکن را که برای جلب نظر کارفرما در روز اعتصاب در سر کار جا نبر شده بود تنبیه کردند بودند. آن ها مصمم بودند تا تحقق خواست های شان که اینک اخراج رئیس حفاظت کارخانه نیز به آن اضافه شده بود به صطرزه خوبانانه دهند. از سرانجام این اعتصاب اطلاعی نداریم.

اعتصاب در کارخانه های کفش فردوسی و فلز کار

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه کارگران دو کارخانه کفش فردوسی و فلز کار که در جاده کرج قرار دارند به عنوان اعتراض به بدی غذا و نداشتن سرویس حمل و نقل و کمی دستمزدها دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. کارگران در خواسته های خود که تسلیم ناپسند کارفرما نمودند گزافی غیر قابل تصور مایحتاج عمومی در سال جدید را ضمن مذاکره با حقوق و مسرد ناچیزی که دریافت می دارند تشریح کردند. طبق اطلاع رسیده این اعتصاب در روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه با توافق و قول مساعد کارفرمایان پایان یافته است. این موفقیت روحیه تشریک صاعی و مبارزجویی را در کارگران به نوسطنطیری تقویت کرده است.

اعتصاب کارگران کشتارگاه تهران

در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۰۰ نفر از کارگران کشتارگاه تهران که در قسمت ناوکی کشتارگاه کاری کنند دست از کار کشیدند و اعلام داشتند تا به وضع حقوقی آن ها رسیده کسی نبود کشتارگاه را ترک کرد. کارگران اعلام داشتند که تعداد زیادی از آن ها با آن که بیش از ۵۰ سال سابقه کار در کشتارگاه تهران دارند هنوز روزانه ۳۰ تومان حقوق می گیرند و هیچ گونه مکی ندارند و در نتیجه اثر دیگر نتوانند کار کنند و با مرگ همه سرخشان بیاید وزن و وجه تا آنجا تا سرگردان می شوند و باید از گرسنگی بمیرند. بسیار از این کارگران در قسمت دلفی و پوست کنی کاری کنند. هنوز از نتیجه اعتصاب این کارگران اطلاعی

در دست نیت ملی این اعتراض آن‌ها با کمیاب شدن گوشت گاو در شهر نایاب اساس شد و اکثر مشتری ناکه در مفازه نمای گوشت کافرونی با پاسخ ضعیف روبرو می شدند پس از مدتی و بعد از تصاب آنها از باج برای اعتصاب کارگران کشتار گاه مطلع می شدند .

اعتصاب کارگران چاپخانه مجله تاشا

در نیمه اول خرداد ماه کارگران و کارمندان چاپخانه و مجله تاشا (وابسته به تلویزیون) دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب برای مدت کار و پائین بودن دستمزدها و بیمه نبودن کارکنان بود . آن‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب یکسره کار می کنند و دستمزدها بسیار اندک است و کفاف مخارج زندگی آن‌ها را نمی دهد و تازه باید دستمزدها اندک نیزه موقع بد آنها پرداخت نمی شود . اعتصاب چند روز طول کشید و با پیروزی اعتصاب کنندگان پایان یافت . کارکنان موفق شدند . در عهد انماضه حقوق به دست آورند و زمان کار را تا حدی کاهش دهند و از باب زمان کار اضافی انماضه حقوق دریافت دارند .

اعتراض نمایندگان کارگران

جلسه ماهانه هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه های کارگری تهران با حضور مسئولان سازمان کارگران ایران دوشنبه دوم خرداد ماه تشکیل شده بود تا به مشکلات کارکنان رسیدگی شود . این جلسه به جلسه مشاجره کارگران با مسئولان سازمان کارگران و به اصطلاح نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی هر سر دستمزدها و افزایش رسمی حداقل آن تبدیل شد . در این جلسه کارگران ضمن اعتراض به به اصطلاح نمایندگان شان در مجلس شورای ملی اظهار داشتند که بر اساس حداقل دستمزدها اخیرا اعلام شده است حداقل بولی که به کارگران تعلق می گیرد اگر آن‌ها هزار تومان در ماه بگیرند ، ۹ تومان است و از هزار تومان به بالا ۳۰ تومان تعیین آن می شود . در حالی که خصه می دانند افزایش قیمت ابتدایی تورم با محتاج عمومی در ماه های اخیر به مراتب بیشتر از این مبلغ است . کارگران عرض با اشاره به این که با دستمزدها و افزایش ایران درگز نمی توانند یک ماه زندگی خود را بچرخانند و آن‌ها که به عنوان نماینده کارگران به مجلس راه یافته اند درگز و وضع کارگران را در مجلس برای تشریح نمی کنند و دفاع از حقوق کارگران را فراموش کرده اند و هیچ رتبه انگیز و مخروم نیست اکثریت کارگران را تشریح کردند . در حالی که این جلسه می رفت تا کاملا متشنج بود رئیس سازمان کارگران ایران پشت میکروفون ریش و رمانا داشت که من و نمایندگان مجلس زیر نظر شما شاه انتخاب شدیم . در این لحظه چند نفر از کارگران زبان به اعتراض آشودند که به این ترتیب کارگران در انتخاب نماینده خود چه نقشی داشته اند یا باید داشته باشند ؟ هیچ جوابی به این سوال داده نشد و جلسه در حالی که کاملا متشنج و آشوب زده بود و نمایندگان اتحادیه ها و سندیکاها با بندهای بر سر مشکلات نامی از نمایندگان پیش از این در وزارت کار و بعد از روزی کار آمدن آژین ساواکی به طرف کارفرمایان بحث می کردند . ادایه گفتگوها به جلسه بعد مؤجل شد . تعدادی از نمایندگان اتحادیه ها و سندیکاها که ملا زیر بار ساواک و یا عدالتی کارفرمایان کاری کنند و نقشی دو ناکه دارند اما فشار زندگی در مسائل ملی اخیر باعث شده است تا نوری از اینان نیز لایحه شکوه بکشایند و زحمه اعتراض برودند .

اعتصاب و تظاهرات کارگران شهرداری زرفول

در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران و رفتگران شهرداری زرفول در نیمه خرداد ماه به عنوان اعتراض به تاخیر پرداخت انماضه حقوق و مزایای خود و نیز توجه دادن اولیای امور به وضع نامساعد و رقت انگیز زندگی خود دست به تظاهرات زدند . آن‌ها در مقابل شهرداری اعتراض کردند و فریاد زنان از شرایط ناخوب شهرداری که در برابر دستمزدها کم به آن‌ها تحمیل شده گلایه و اعتراضی زاری کردند . اما این اجتناب سالمست جوینان با دعوت پلیس متشنج شد و پلیس با خشونت همیشگی خویش کارگران و رفتگران را که جزاچار درد او و مسایل خود گنا دیگری نداشتند متفرق کرد . در جریان این تظاهرات تعدادی از شیشه های ساختمان شهرداری شکست . رفتگران و کارگران از این حادثه آموختند که اظهار مسالمت آمیز مسایل در مردمان و حاکمان در جامه ای که اختیاری آریامهری بر آن حاکم است پاسخی جز سر نیزه ندارد .

کارگران برای دریافت سود ویژه مبارزه می کنند

بعد از ظهر دوشنبه ۳ خرداد برای رسیدگی به وضع کارگران چاپخانه های تهران جلسه ای با شرکت نمایندگان ۱۲ هزار کارگر چاپخانه نمایندگان سازمان کارگران که همیشه طرفدار حقوق کارفرمایان است و به اصطلاح نمایندگان کارگران ایران در مجلس شورای ملی تشکیل شد . این جلسه به سرعت تبدیل به تریبون برای بیان شرایط دشوار کار در چاپخانه ها شد و سرانجام گفتگوها به قرارداد سود ویژه کشید که تمام کارفرمایان به استناد گفته های شاه که اصلاح

گذشته توسط سود ویژه را گرفته اند و در حالی که سود ویژه کارگران این کارخانه بین ۴ تا ۸ هزار تومان در سال است. خیلی کم می‌باشد که کارگران را مطمئن کرده این است که کارفرما در لیست حقوقی کارگران بالای ۶۰ و ۷۰ تومان نوشته بود سود ویژه و کارگران با متوجه این خیلی نشده اند و با خیال کرده اند که این برون علی الحساب پرداخت می‌شود. این اعتصاب کم کاری همچنان ادامه دارد.

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک کسار

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک کسار نیز با موفقیت پایان یافت این اعتصاب ۱۰ روز ادامه داشت و کارگران در سخت‌ترین شرایط اعتصاب را نشکستند. در اولیاء روز اعتراض به کمی حقوق و دستمزد سود ویژه و سرخطی که مسئول حفاظت کارخانه است کارگران را تهدید به اخراج کرد و اعلام داشت که کارگران معتد به ساوان معرفی می‌شوند. کارگران که از شرایط ناخوشایند و نواز زندگی صفر زد وزن و بچه‌هایشان دست‌خوش گرسنگی بودند به این سردهنگ حمله ور شدند و او را پس از زدن کتک مفصلی از در کارخانه بیرون انداختند و ریاضت‌های بلند اعلام داشتند کارخانه جای نمی‌آید که باز هم به کار گرفته است و در وجه و قدرت بلای می‌آید. کارگران در کارخانه را بستند و دست‌انگاری کردند. بلافاصله کارخانه به محاصره درآمد و کارگران از بیم دستگیر شدن از کارخانه بیرون نیامدند. این اعتصاب ۱۰ روز ادامه یافت و در تمام این مدت زن و بچه کارگران که سخت‌فکران و ضعیف‌ان بودند همراه کارخانه جمع شده و نان و پنیر و حلوا را که همراه آورده بودند لای نان پیچیده به داخل کارخانه پرت می‌کردند تا بذر و شوهر و فرزندشان به این وسیله سست بوی کنند. این شرایط دشوار را کارگران به طور یکپارچه تحمل کردند تا سرانجام نمایندگان کارگران با کارفرما ملاقات کردند و پس از توافق بر سر افزایش دستمزد سالانه اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و کارگران در حالی که ریش‌هایشان بلند شده بود و صورتشان از آفتاب سوخته بود از در کارخانه بیرون آمدند و به آفتاب زن و فرزند و مادرشان که بیرون کارخانه انتظارشان را می‌کشیدند بازگشتند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی شیراز

از اواخر مرداد ماه کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی و کارگری ایران است دست به اعتصاب زدند. در نتیجه کارخانه به حال نیمه تعطیل درآمد به انرژی نیاز حندی به شیراز به تأمین آمونیاک مورد نیاز کارخانه شایع سازی کشور نیست. ظاهراً قسمت بزرگترین کارخانه پتروشیمی در شیراز است.

دانشته است از واحد سود ندارد نباید سود ویژه پرداخت کند نمی‌باشد این دستمزد ساله را به کارگران بداند. تا کنون در زندان و در بزرگترین مقدار پول به عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت شده است اما قرارداد قانونی آن امضا نشده و این هم روی داد همان آینه این حقایق بود. هم پرداخت نشود. کارگران تنها راه مبارزه با دست‌انگاری و سرکشی کارفرما راه در مبارزه با بزرگ و مشکل یافته اند. مثلاً باید صد کارگر را با آنه بزرگترین هم‌پیمانان از مدت‌ها پیش به دلیل بسته شدن قرارداد سود ویژه نوی اعتصاب را با کارگران داده اند و با کم کاری کارخانه را مجبور کرده اند. کارگران هم هم علی‌رغم تهدیدات و تشویبات کارفرمایان تا حصول نتیجه موفقیت کامل پیمان اعتصاب اعتقاد آمیز ادامه دادند.

اعتصاب پیروزندگان کارگران روزنامه انزلی

به دنبال جلسه ای که دو شبیه برگزار شد برای رسیدگی به وضع کارگران این خانه های تهران تشکیل شده بود کارگران روزنامه انزلی که در آنجا در دستمزد و نفیست بسیار کم و سلامت کم کار کرده اند تا کارخانه را متوجه نفیست بسیار کم کنند. و با اعتصاب کارگران انزلی دستمزد سالانه بود که کارفرما از زیر پا آن شانه خالی می‌کرد و بداند به کارخانه پرداخت آن را به تعویق می‌اندازد. به دنبال این کم کاری فشار شد و پیروزگان کارخانه در آن جلسه از کارفرما نمایندگان کارگران و کارفرما تشکیل شود اما این جلسه هم به نتیجه نرسید و در نتیجه کارگران برای مدت دست از کار کشیدند. به دنبال این اعتصاب در انزلی که چارچوب آنه نامه ای از انزلی ساعت و چاپ روزنامه نیز دستمزد به تأخیر افتاده بود نمایندگان سازمان کار نمایندگان کارگران با کارفرما جلسه مشترک تشکیل دادند و کارفرما به تأخیر به واسطه دستمزد کارگران کردن کار و نمایندگان کارگران و شش ماه پیروزگان انزلی حقوقی را به دلیل واحد کار نبودند و این مانع از اعتصاب انزلی است گفتند. اکنون در این روزنامه جهت برتربین عدالت حقوقی برمیآید. ۲۰ روز توان است.

اعتصاب در کارخانه پتروشیمی شیراز

کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز برای اعتصاب به دست برداشت سود ویژه سالانه و دستمزد کارگران را سازمان داده اند که دستمزد است ادامه دارد. کارفرما این کارخانه در سال گذشته ۱۰۰ تا ۷۰۰ تومان در لیست حقوقی کارگران منظور کرده و پرداخته است و الا که کارگران در دستمزد پرداخت سود ویژه سالانه و در پرداخت اعلام داشته است.

در دانشگاه‌ها چه میگذرد؟

اعتصاب در دانشگاه شیراز

در هفته سوم اسفند ماه گذشته دانشجویان دانشگاه کشاورزی شیراز دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. انگیزه اصلی اعتصاب دستگیری پندتن از دانشجویان همسنگ دانشگاه توسط اعیان ساواک بوده است. به دنبال اعتصاب ساواک عدای از دانشجویان را بازداشت کرد. در ضمن اعتصاب تراکت‌های افشاگرانه در میان دانشجویان پخش شده بود.

تساجم پلیس به دانشجویان

روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه گذشته پلیس به ناگهانی به خوابگاه دختران دانشجوی شیراز حمله کرد و پیراز ابرام دستران در راه رانگاه دانشگاه تصدیق گردید. این پیرز ناگهانی محول آما که مانند همیشه با توهمین و اعیان و تاجت آخیز و ششونت همراه بود به دنبال اعتراض و اعتصاب دانشجویان ادبیات در پشتهای از دانشجویان دیگر به ویژه دانشجویان کشاورزی که از دستها پیش در حال اعتصاب بودند صورت گرفت. دانشگاه کشاورزی در بی نظاهرات و اعتراضات دانشجویان منحل شد باست و اینک دانشجویان بلا تکلیف و استار کسایش دانشگاه خود هستند. اصلا خودسرانه پلیس شاه و ساواک در تعقیب و بازداشت دانشجویان و تصاحب دانشگاه ها خشموانزجا شد و دانشجویان را برانداخته است.

دانشجویان علیه رژیم اعتراض می‌کنند

در نخستین روز از اردیبهشت ماه دانشجویان دانشگاه شیراز و دانشگاه زنگنه دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به شرایط اذیتان آهر ایران و رفتار پلیس و ساکم پسر دانشگاه تهران و همچنین اعتراض به صدانه از پیش‌ساختای برای عوامفریبی به اصلاح به ابر طفری ترتیب داده بودند دست به تظاهرات گسترده ای زدند و با دادن شمارهای صهی از دانشگاه بیرون رفتند. این اعتصاب و اعتراضها

توجه به تجربیات گذشته دانشجویان از اهتمامها همیشه با حمله گارد دانشگاه و دستگیری و مرگ‌ده ای از دانشجویان همراه است. به صورت پراکنده و در زمانی کوتاه انجام شد و دانشجویان معتون به سرعت در اطراف دانشگاه حرکت کردند و پس از دادن شمارهای زرد رژیم دانشگاه را ترک کردند. در همین روزها دانشجویان پلی تکنیک تهران نیز با همین روش نسبت به شرایط خفقان آهر در ایران اعتراض کردند.

آوازهای حماسی عاشقی های آذربایجانی

مردم از هر وسیله ای برای ابراز نارمایی خود و افشای این رژیم بوسید و دیکتاتوری و غارتگر و دعوت یکدیگر به اتحاد و مبارزه استفاده می‌کنند. این وسایل چه طنز باشد چه مخفی بیجا نیمه مخفی فرقی نمی‌کند. مردم صدای دل و آطل خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهند. یکی از این جلوه ها برنامه عاشقی های آذربایجانی است که در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ خرداد ماه در دانشگاه علم و صنعت برنامه ای اجرا کردند و با استقبال شدید و هیجان انگیزی روبرو شدند. برنامه ای که توسط آنان اجرا شد آهنگهای بود که نمون انقلابی داشت و مردم را به مبارزه دعوت می‌کرد. این برنامه شامل قسمت ایی از اپرای کوراولی و اشعاری از صمد درغون شاعر بزرگ آذربایجانی بود. در این برنامه د و غزالی و نوازنده به نام عاشقی یا شایر و عاشقی عبدالمسی نوری شرکت داشتند که عاشقی نوری در حین اجرای برنامه شمارهای از این قبل که با صدایگر باشید هاتاد داشته باشید عاشقی با خلق خود زنده است و یا توانه های را برای خاطر دوستانی که در میان مان هستند و به خاطر دست‌های پینه بسته کفرگوان اجرا کرد. عاشقی مذکور در توانه ای به نام ارس گفت: من هر نفسی ززم و هر ناسی از مرگ ندارم... و یا ارس توندانستی که رفیق مارا کشتی (اشاره به مرگ صمد بهرنگی) یا عمر دشمن هرچه کوتاه شو شود. یاران به یا خیزید... این عاشقی ها در روزهای ۱۸ و ۱۹ خرداد ماه نیز در دانشگاه صنعتی آریا مهر برنامه اجرا کردند. در هر روز اجرا برنامه در حدود ۱۰۰۰ نفر تماشاگر در سالن حضور داشتند و در روز پنجشنبه ۱۹ خرداد به علت کثرت تماشاگران برنامه در فضای آزاد دانشگاه علم و صنعت برای بیش از ۲۰۰۰ نفر اجرا گردید. جوانان و دانشگاهیان با آواز ای حماسی و دعوت به مبارزه عاشقی ها شور مبین پرستی و انزجار خود را از شرایط ایران شاه زده به وضوح نشان دادند.

مردم ایران!

بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دوغمان شاه

مبارزه کنید!

جنبش‌ها و مسائل کارگری

از کارافتاد بااست. از نتیجه اعتصاب ببری در دست نیست.

اعتصاب کارگران شهرداری سا

هزاران کارگر سازمان های مختلف شهرداری با بد علت قطع البسه و رکن مسیبه سالانه خود به مدت خشکین اندوه انجام مطلق به شهرداری اعتراض کرده اند. بنا به يك سنت دیرینه شهرداری که طی زمان به صورت حقوق حقه و مزایای مستمر کارگران زحمتکش شهرداری نامرآمده بوده شرمسال بود دست لباس برود و جهت گرفتن به کارگران داده می شد. اما اصالتا ناگهان به این پیانه که شهرداری سا کمبود بودجه و افزایش هزینه روزمره و پرسنل در برپرسو است همین ببرد قطع شد و به جای آن تنها يك روپوش کاردر اختیار کارگران گذاشته شد. این اقدام خودسرانه

کارگران شهرداری را که از کترین حقوق و مزایای شغلی برخوردارند و از زحمتکش ترین رنجبران کشور ما هستند و اکثر آن روزانه حداقل ۱۲ ساعت به کار و افتاده کارشان سرگرم اند به اعتراض فراینده واداشته است. يك کارگر شهرداری سا سابقه ۱۰ سال کار مستمر حد اکثر ۱۰۰۰ تومان حقوق و مزایای ما نیانه دریافت می دارد.

در کارخانه کسروسازی شاهی حقوق کارگران را ابطال میکنند

در کارخانه کسروسازی شاهی که در راه تیارا در تراس است و محصولات آن نیز مهارت زیاد تخصص دارد، ایلدایی ترین حقوق کارگران نیز بی شردانه نقض می شود. رهبر کارخانه سرنگی است به نام روشن که در خ شونت و وقاحت شهرواست. دستگیر کارگران بین ۵ تا ۲۰ تومان است. با کوچکترین بهانه و کارگران را اخراج می کنند. کارگران بهمنیستند و برای این که مشمول قانون بیمه نشوند بیش از بیایان سه ماه کارگران را اخراج میکنند و کارگران تازه ای از بی صفا طویل کارگران بیکاری که هر روز در طلب کار و در جلوی در کارخانه به انتظار می ایستند، برای مدت کم تر از سه ماه استخدا می کنند.

در دانشگاه هپاچه می گذرد

تشنه دیدن شفقسان

شدت تشنه در دانشگاه سا ایما کسردای باقتداست. خبر می رسد که در کتابخانه این دانشگاه اصهبان ماموران شناخته شده ساواک بالای سردانشجویان می ایستند و پروکتا خواندن آن ها نظارت می کنند و حتی گاهی کتابها را دست دانشجویان گرفته و آن را واری می کنند. این افعال استغنائی خشم و انتزجار دانشجویان را برانگیخته است.

خطرس زندان دانشجویان را تهدید می کند

با آغاز تدا ایلا-تابستانی دانشگاه های جهان و بازگشت موقت دانشجویان ایرانی دقیم خاارن به وطن برای دیدن پدر و مادر و اقوامشان مساوات در فرودگاه مهرآباد برای دستگیری دانشجویان تدا ازان رسمی دیده است. در قسمت های مختلف فرودگاه ماموران ساواک آلبوم به دست مسورت دانشجویان را با عکس این که در دست دارند تبلیغ می دهند و با کوچکترین سوء ظان آن ارا دستگیر می کنند. در ایمن آلبوم عکس های چندین شده که ساواک در کشور های دیگر ساواک دانشجویان مخالف رژیم نرفته است.

باز هم يك توله

در هفته های اخیر ساواک اعلایه ای با ایلدایی "انجمن اسلامی دانشگاه تهران" پخش کرده است و در آن تشددار داده است که گرایش های کمونیستی باید پرهیز شود. جالب این جاست که تا کسرون چنین انبضی وجودند داشته و هیچ دانشجویی با چنین نامی آشنا نیست و ضمنا اعلایه در سطحی وسیع در دانشگاه پخش شده است و همین در میان دانشگاه های ما مور گاردی با نصب آن تاروی تا بلومساو در ای دانشگاه تا مخالفتند ارد. این عمل همزمان با پخش اعلایه های متعدد برای پیوستن به حزب توده ایران به مطاب تنها حزب واقعا انقلابی ایران و پخش نشریات حزب توده در سطحی وسیع رقم سابقه صورت می گیرد.

سازمان اخیت و اطلاعات کشور (ساواک) که همه مشرین وسیله سرکوب خلق از طرف ارتجاع و اصریالهمم است، باید ضحل گردد و عمال جنایتکار آن مجازات شو نند

از گوشه و تبار کشور

حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

اعتصاب کارمندان دارایی

در اوایل اردیبهشت ماه آخرین ادارات دارایی وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان اعتراض به کمی حقوق خود دست از کار کشیدند. اعتصاب ابتدا از حوزه های مالیاتی غربتهای تهران شروع شد و پس از چند ساعت تمام حوزه های مالیاتی تهران را فراگرفت. این کارمندان معتقد بودند که افزایش غیر قابل تصور مالیات ۱۵۰ درصدی به ما بدبین شده اند و گمان می کنند که احتمالاً ما این پول را به جیب بی رژیم مدر حالی که با این گرانی اداقت نرسا وضع ما روز به روز بدتر میشود. اعتصاب حدود ۲۸ روز طول کشید و بدین نحو بود که آن ها در محل کار و در خارج می شدند تا ما کار نمی کردند و به مراجع می گفتند که ما در حال اعتصاب هستیم. ما تهران ساواک مدتی از کارمندان را اخراج کرده بود تهدید تکرار دادند و حتی عده زیادی از کارمندان را دستگیر کردند. کارمندان اعتصابی می گفتند که تنها واسطه تامین مسکن و تفریح خانواده مان است. به دنبال سیاست ارتباب و بازداشت بد نتیجه نرسید و وزیر اقتصاد و دارایی (انصاری) قول مساعد داد که به خواست های آن ها توجه شود و در نتیجه اعتصاب در چهارم خرداد پایان یافت.

اعتصاب کارکنان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران

بیمه از سه زار نفر از کارمندان و کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران و بانک بیمه ایران از ساعت ۸ صبح دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه به عنوان اعتراض به حقوق کم خود و افزایش سرسام آور هزینه زندگی دست از کار کشیدند و به اعتصاب نشستند. در ادارات مختلف این شرکت و بانک دست زدند. کارمندان و کارکنان اعتصابی از قبل امید شتابانی اضافه حقوق کرده بودند اما شرکت و بانک بیمه ایران بهر از گفته تا وده و سرتر از آن در اردیبهشت ماه اعلام می داشتند با ۱۴ درصد اضافه حقوق موافقت شده است که پس از تصویب در هیات مدیره پرداخت می شود. کارمندان و کارکنان بانک و شرکت بیمه ایران با اعتصاب این واقعیت که هزینه زندگی فقط در پانزده و نه بریکه از سال جدید می گذرد آن نسان

افزایش یافته که کم آن ها را زیر بار خود خیم کرده است و تقاضای اضافه حقوق کردند و چون با مخالفت روبرو شدند دست از کار کشیدند. شرکت و بانک بیمه ایران که با سرطابه خصوصی اداره می شود همسال میلیون تمان تومان سود به جیب سرمایه گذاران آن می ریزد و از حمایت کامل دولت برخوردار است و همین صدمه یکی از دلایل کارکنان و کارمندان اعتصابی برای اضافه حقوق بوده است. زیرا هموزشانه سود سرسام آور و افزایش سرمایه گردانندگان بانک و شرکت بیمه ایران هستند. حقوق اکثریت کارکنان و کارمندان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران بین ۱۷۵۰ تا دو هزار تومان است. در اولین ساعات اعتصاب کارکنان و کارمندان شرکت و بانک بیمه ایران صدها متقاضی که برای انجام کارهای خود به این دو محل مراجعه کردند متوجه اعتصاب شدند و همین سردردی با اعتصاب بین افزایش سرسام آور هزینه زندگی را تأیید کردند. خمدلی مراجعین با کارکنان و کارمندان اعتصابی آن چنان وسیع بود که به دستور ساواک و گردانندگان و سپاهداران بزرگ شرکت و بانک از داخل شدن مراجعین به ساختمان های بانک در خیابان مسدی و شرکت بیمه در خیابان ایرانشهره ایبج و شمبه مرکزی و مهران دولت جلوگیری کردند تا از گسترش اعتراض و پخش اخبار مربوط به آن جلوگیری شود. سرانجام مسئولین مجبور به کنار آمدن با اعتصاب کنندگان می شوند همان روز دستور پرداخت ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان به عنوان طای الحساب به کارمندان صادر می شود و قول داده می شود که حقوق ها تا حد قابل توجهی بالا رود. کامیابی این اعتصاب به واسطه سازماندهی خوب آن به دست آمد و روحیه مبارزه جوانانه کارمندان را تقویت کرد.

اعتصاب غذا به خاطر آب

چندی پیش مسئولین مرکز استان کردستان مشاهده اعتصاب غذای تعدادی از اعضای شرکت تعاونی مسکن وزارت بهداشتی بود. این عده به عنوان اعتراض به گرانی تصاعدی قیمت آب آشامیدنی که پرداخت آن خارج از توان مردم فقر زد وین مسکن این منطقه است دست به اعتصاب غذا زدند. از سرنوشت آن ها اطلاعی در دست نیست. ساواک به شدت می کوشد تا اخبار مربوط به این اعتصاب در شهر پخش نشود.

فازنده تحصیل دانشنامه آذربایجان است. لازم به تذکر است که خرید آقاخان عقاری که از روحانیین مبارز و توفیق خسرو است، نیز از این بازداشت شده و قهلاً در زندان ساواک به سر می برد.

سازمان جدید به پدید آمدن سر می

سازمان فعالیت خود را تشدید می کند

لیبر، سیاسی ایران برای چند روز بیشتر در تماسی سطوح و مشغول جامعه و حکیم زنجیر برای انتشار آنرا برنامه سیاسی را به مرحله اجرا در آورد باست. از جمله این برنامه ها افزایش فزون الحاده تعداد اتومبیل های آن است. همچنین برای این خطا بر است. تلفات زیاد جانوران شهریانی و سایر در بر خورد با آلوده های دیگری که کمتر به روزنامه ها راه میابد و حتی یک دهه آن را منتشر نمی شود اما مردم در کوشش و کنار شهر روزی در گرفته اند آن هستند و افزایش شدیدی فحالتی که گردان نمای انقلابی ایران و لیبر را واداشته است تا کلیه افراد خود را حتی با اسباب های راه نطی را با یو سیم مجهز کند و آخرین رسایف و تکنیک را به کار گیرد. فاصله بین پلیس و دشمن رژیم با مردم روز به روز بیشتر می شود. این روز به چشم دشمن به نگاه می کنند و در همین حال این زمین از مردم کویری ای ساواک را انبان با قاره کعبه را راجید ارد که با اسباب و کترین کار در به اسباب بخورد ها صلحانه و رسایف جانونی را که ببینند همه شایسته الهی کنند. با وجود اصرار شهریانی به جلب افسران به کمیته و کمتر افسرو است که به این کار رغبت نشان دهد. این اکره و انزجا با لقی افسران کارها به آن را کشانده که شهریانی پسرای انتقال افسران کرد به کمیته امتیازات و حقوق و شهریانی قابل شود. از جمله ده هزار ریال به حقوق با آنه آن اضافه می شود و از امتیازات بی سابقه دیگری نیز برای ارتقاء درجه و احکانات عالی برخوردار می شوند. و افسر یا درجه دار و که در مبارزه با سازمان ای سیاسی و افراد مبارز کمترین حوثیتی به دست آورد و ادان از آن کلان می آید. با این همه کمیته برای افسران و درجه داران یک مدل تکلیفی آمده که همه از آن روز گردانند. نقش وانتقال افسران و طامیران شهریانی از مشور است به تهران و نقاط دیگر در شرایطی حوثی بسیار دشوار است. اما از افسر یا طامیران کمیته ساواک را باید بود باز نامند به حثی خود نتوانند این انتتال می یابد و در بخش انجیبی آن را مشغول کاری شود. این شدت نیاز ساواک و شهریانی را به افراد جدید و رساندن نظر نشان می دهد که کمتر افسر یا طامیران در شرایط حوثی را به شفقت پذیرش بیستی در ساواک و کمیته می شود.

روز دوشنبه ششم اردیبهشت ماه در حدود ۱۰ نفر از مادران زندانیان سیاسی ایران به عنوان اعتراض به ستاگری و بریدن آقاخان عقاری که در مورد فرزندان زندانی آن سازمان می نمود و در برابر اداره دادرسی ارتش (واحد در خیابان کویر) اعتراض کردند. تجمع این انبوه زنان زندیده که اکثر آن سالخورده و پوسیده در پیادرسپناه چهره غمزده سرد را همراه با دشمنان افشا گروگان زندیده شان برای رسوایی رژیم و تخریب آن سازمان در دست توان دلیر و دریند خود به امر رشته بودند و همگنان دادرسی ارتش را واداشته تا به صورت یک سلسله اعتراضات برآید و برای پرس و جو و تحقیق درباره دولت است. آن اعتراض دارند بر راس و است. مادران زندانیان و آزادی گیری زندانیانی قسری داشتند که از آن آذربایجان در دو سال است که مدت محکومیتشان به پایان رسیده و هنوز آزاد نشده اند.

دینار و است. او مادران مبارز بود از بیم بود شرایط ملاقات زندانیان و مادران اجازه ملاقات به عنوان و برادران زندانیان که حوثی در پیاده به ساواک در زندان ساواک شهریانی قانع شده است و تجدید نظر اساسی در مدت محکومیت آن را به رویه از کدک است و پدید آید که شاه مشکل نقش و نجات بر سر هر روز شریف ترین فرزندان این سرزمین ریخته اند و بی پروا بیفایده خندان زندانیان و مسائل دیدن در این زمینه ...

سراورد ارتش و درجه ارتش دارد تا مادران را متفرق کند و به اسراگن بی روزگار آن انجیره بالک و دنبال نشود سپاه بقدرتد حوثی نشد. از میان این انبوه پاک بانگستان زخمه آن بی دید آرزوی به توان می رسید که دم به دم او ج می نرفت.

سراورد از آن دادستانان ارتش به مادران حق داده شد که نسبت به حثی در دولت است آن آن توجه دقیقی شود و جز آزاد و زندانیان در این مورد نقتد که تکلیف مدت محکومیت زندانیان را دادگاه استاتین کرده اند. مادران گفتند کدام دادگاه دادگاه این که اداکامشان پیشانی به آن ادا پخته شده است و افسران آنها را انداخته و بیایند بر آورده کردن دیگر و آمده از مادران آن را روانه کرد.

دستگیری و روانه شدن آزاد پدیده خسرو

انجیرا سر آقاخان عقاری به نیاز صمد عقاری واقع در خیابان تهران نیتوسا همان ساواک دستگیر شده است او

تشریح مخالفان ادامه دارد

اخیرا یکی از افسران شهرستانی که حاضر نشده است به طرف جوانی که ظاهرا فعالیت های زیرکی داشته تیسر اندازی کند مسخرت مورد تعقیب قرار گرفته است. این افسر پس از تعقیب "چریک" مورد نظر خود راه از رسانده میهنه اش راهی گیرد و سپهر دیگر مأموران سر می رسند و او را که سلا عسی همراه نداشته دستگیر می کنند. اکنون افسر مزبور به این دلیل تعقیب است که چاره "چریک" نزدیک شده و او را قبل از آن که به هم برسند با کوله نژده است. ظاهرا قبل از شناختن این مأمور ابلاغ شده است که هرگز مشکوک کسی را با تیر بزنند حتی اگر مسلح نباشد تا بعدا در مورد او تحقیق نمود. از جمله دلایلی که برای این عمل عنوان گردماند این است که اگر احیانا "چریک" تیر اندازی کند و افسری بیچورد می گویند شهرستانی تعقیب است و طبقه مأموران تبلیغ می شود ضمن آن که لزومی ندارد "چریک" تعداد زندانیان افزود شود مخصوصا حالا که تحت فشار عوامل داخلی و خارجی مانع محدود شده و مشخصه دستگیر شده است. رنجست اهلایا عاشقرا فاش کند.

جهانی بهایران برای دیدار از زندان های ایران وقت و کوه با زندانیان رژیم دست به پله رن پلانه و گشایی می زند. قبلا - زندانیان زندان های مختلف تیسر را آگاه می کنند که هیات صلیب سرخ به زندان قصر و واحد آب و به زندانیان توصیه می نمایند که برای حفظ آبروی ایران از واقعات مربوط به شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و نقولاتی از این قبیل با این هیات سخن نگویند. چند روز بعد یک هیات خارجی وارد زندان قصر می شود و به عنوان نمایندگان صلیب سرخ جهانی با زندانیان گفت و گو می کند. زندانیان تیسر نیز عریضه از فجایع و جنایات رژیم می دانستند و شاهد آن بودند برای این هیات بازگو می کنند. دوسه روز پس از دیدار هیات کدایی مأموران شهرستانی وساواک به زندان ها می ریزند و زندانیانی را که واقعات زندان را برای هیات خارجی فاش کرده بودند اخراج می کنند و به آن ها می گویند. هیات مزبور نمایندگان صلیب سرخ نبودند بلکه نمایندگان هیات بودند برای این که میزان "صداقت" و "صمیمیت" آن ها را روشن کنند با قیافه های مبدل به دیدار آن ها آمدند و با آن ها صحبت کردند. آنگاه تمام آن ها را که واقعات شوم و جنایت آمیز رفتار رژیم را با هیات کدایی در میان گذاشته بودند به بار کتک فضل می گیرند و بعد مای از آن ها را نیز به زندان های انفرادی منتقل می سازند. این نیزنگه بازی بی سابقه رژیم زندانیان را سفت متعیر و شکنجین کرد.

اعتصاب غذا در زندان تیسر

در نهمین مرداد ماه در زندان های سیاسی شماره ۳ و قصر اعتصاب غذا در میان زندانیان سیاسی شد که چند روزه اول انجامید. زندانیان سیاسی پس از تذکرات متعدد که برای بهبود وضع غذا در زندان آن ها دیگر قابل تحمل نبود به مسئولان دادند عیارهای اعتصاب ندیدند. آن ها از اعتصاب غذا به عنوان آخرین حربه برای وا داشتن زندانیان به توجه به خرابی های شان استفاده کردند و ضمن این خواست مطرح کردند که باید در کرمان طاقت نبرسی تا پستان به آن ها اجازه دهند از بحال استفاده کنند. زندانیان همچنین خواستار رفتار صلح طلبانه و مناسب تری از جانب زندانیان بودند. زندانیان با توجه به دیدارهایی که اخیرا نمایندگان مراجع بین المللی کردند گاه از زندان های سیاسی به عمل می آورند و نیز یکبارگی و بی نظیری اعتصاب کنندگان راهی جز عقب نشینی نیافتند و به بدین در راست زندانیان سیاسی تن در دادند. به این ترتیب اعتصاب با پیروزی سه پایان رسید.

اما بد رخم این تشبیهات تنگین ساواک چه در تیسر و چه در زندان ها از جمله زندان این زندانیان واقعات جناسی زندان ها و شکنجه گاه های عملی شاعران با هیات واقعات صلیب سرخ جهانی در میان گذاشتند.

چه هجوم و عشقانه ای!

چندی پیش کودتای شمال خلیا بان غار را خراب کردند و به عدای طیلی از ساکنان این کوه ها با کوس و گونا و چار و پنجال و تبلیغات زیاد از آن آبارتمان های شیطانی کمپیتی معروض اند. اما بقیه روی ویرانه های آلونک های خود هنوز در چادر سه سر می بوند.

از چندین پیش مجند شرکت بزرگ خانه سازی که بزرگترین آن ها وابسته به شاهپور قلا همراست است در نقاط مختلف شهر دست به ساختن آبارتمان زده اند. حالا تیسر آبارتمان گرم است و کرسه ها آنتار بوی خون شنید فاند! چه هجوم و عشقانه ای! این شرکت تا که نزدیک به نیمی به دربار کوسه های بزرگ و سیری ناپذیر مربوط اند و زمین ها و خانه های زحمتکشان و افراد کم درآمد و تهی دست را از آن ها می گیرند و ظاهرا عنوان می کنند که این اراضی را می روند اما این معاطه از نوع معاطات آن چنانی است که هم به زیر سر باز و سر نیزه انجام می شود و هم قیمت ها یک طرفه از سوی شرکت است. عمل می گردد.

صحنه سازی های ساواک و دتا جهت مبارزان در بند

مبارزان با آمدن هیات از جانب سازمان صلیب سرخ

بازهم تخریب سرپناه آلونک نشینان

در اوایل خرداد ماه جاری ماهوران شهرداری زنجان ۱۵۰ آلونک را در منطقه "زهرآباد" که در شمال شهر واقع است تخریب کردند. آلونک نشینان با قیافه های اندوهناک و خشم و انزجار تا اثر تخریب سرپناه های محقر خود به وسیله ماهوران رژیم بودند. اکثر آلونک نشینان روستائیان می هستند که به شهرها رانده شده اند و در شهرها بیولای تحلی ناپذیری به نام هزینه صکن روبرو شده اند. این آلونک ها در واقع سند نکبت ملی لیاقتی می آبرویی رژیم است که ثروت های عظیم نفتی این کشور را جنایتکارانه آتش می زند و می آن که آنرا در راه نیازهای واقعی ملک وطن به کار بیاورند. بعضی از آلونک نشینان زنجان که می دانستند با اذیت دادن سرپناه خود دیگر در تمام این سرزمین پهنای سستی روی سر آن ها و محسوس و نوزندان شان وجود نخواهد داشت و در برابر بیوزن ماهوران مقاومت کردند. زن ها گریستند و استغاثه کردند و کودکان شمع سردادند و اما این نجه های رقت انگیز قایده ایندشت آلونک نشینان بازور رانده شدند و زمین های که کفنی شود به اوتای تعلق دارد و از آن ها پیر گرفته شد. در حدود هزار ساکن آلونک های ویران شده اینک در شهر زنجان سرگردان می خانانند.

تفیع جوی دربارستان حدومیزی نمی شناسد

بهرچند از شهرهای حاشیه کبریاست و سالها است ۷ هزار جمعیت آنرا علم وزیر دربار در حال مرگ شاه خاکن (علم سرخان خون دارد و خبر موتی حاکی است که بیشتر از چند ماه دیگر زنده نخواهد ماند) تشنگانده و آبرابسه رویشان بستاست. ماجرا با انتقال سرپناه بزرگی به بیرجند آغاز شد. هدف از انتقال این سرپناه خانه کبهد ستور طرح وزیر دربار صورت ترفرت رفت و آمد پدر و مادر سرپناه او بود خانواده اشرا و درجه داران به بیرجند بود تا قیمت املاک وزیر دربار بالا برود. با انتقال این سرپناه به بیرجند آب شهر که بسیار کم بود به دلیل این سرپناه خانه منتقل شد و با اسال نما است که مردم این شهر از ساعت ۹ صبح تا نیمه ای شب آب ندارند برای ترفتن یک سطل آب باید مقابل سرپناه خانه جصع شوند و به کروزه بان تا التماس کنند. توطئه علم برای فروش زمین این در بیرجند به همین جا خاتمه نیافت. به دستور او یکی از باغ های شهر را غلامرابع دانشگاه اختصاص دادند. از این دانشگاه تنها نامش بر جا است و کوچک توین شهری از آن نیست. زلی همین نام و اختصاص یافتن باغ به دانشگاه خیالی چند صد تومان به قیمت زمین های علم افزوده است.

یک نمونه عالی از این نوع مناسطه مد در صده "عادلانه" (۱) در گود خیابان فارخ داد.

به اهالی گودهای شمالی پایان غار اخلار کردند که خانه هایشان را تخلیه کنند و ۱۵۰۰ تومان به بانک به بند تا شرکت آپارتمانی در دولت آباد در اختیارشان قرار دهد. شرایط خرید آپارتمان ۱۰ و فرور اجباری خانه های اهالی عالی و آن هارا به مقاومت واداشت. یعنی آن هایی که خاندان هستند می بایستی قبایلی آنه می خرید را در اول شرکت دهند و بعد از پرداخت ۱۵۰۰ تومان هده ماه می بایست ما می ۱۵۰۰ تومان به شرکت بپردازند و بقیه قیمت آپارتمان را ماهانه ششصد تومان بدهند. دیگر این که پول خانه ها را در وقت شرکت تا بخوانند به اهالی بپردازند. ابتدا اهالی مقاومت کردند و خواستار آن شدند که شرکت با خاندانهایشان بخزند و پولش را بپردازند تا این خانیز آپارتمان را با پول خانه بخزند. شرکت های ساختمانی این راه من عادلانه را قبول نکردند و برای تخلیه خانه های اهالی تالی کهک خواستند. صد ها نظامی مسلح به گود تاریدند و تهدیدکنان اهالی را مجبور به تخلیه خانه هایشان کردند. حتی بولد و زرا فرستی به اهالی ندادند که اسباب و اثاثی منزلشان را با بپردازند. خانه ها را در هم کوبیدند و اثاثی را به بیگانه ارزید عزیز خاک ماند. در این میان تا آنجایی که مقاومت میکردند زیر آوار ماندند و از تلفات جانی دیگر بزرگ نیستند. این بیوزن و حشیانند که در چند نقطه به جنگ تمام عیاری بین اهالی و ماهوران کشید و نمونه

بسیاری دارد. یک نمونه بارز هجوم شبانه ماهوران به شهرک شمیران نواست که شهر آن زمین بود در نوید چاپ شد و طی جنگ و جدال آن عده زیاد زکشته و مجروح شدند. و نسیر هجوم های دیگری به زلفه های ابراهیم میدان شهید و بالای تهران ویلا (حاشیه اتوبان)

بسیاری از این رانده شده های تمهید دست اینک در لانه های واقعا لانه که در حاشیه داده قدیم شهر ری برپا کرد مانند مثل کرم و جانور در شم بیلوند. منظره این لانه ها در یاقیتت شامشاد می و در کمبری که می خواهد به تمدن بزرگ برسد و به انگلیس و آمریکا وام می دهد و واقعا تماشا می است. صد تا آلونک در سه قطری با قترا و ویو لیبی برپا شده و درست مثل قوطی های بزرگ فلزی و هروی سنگ و دیوار ای آن برای جلوگیری از نفوذ آب و سرد با نایلین ای نگه بار پوشیده شده است. در این لانه ای بد تو از لانه هزاران زن و مرد و کودک در هم می لولند و نه بوقی نه آب نه بهیاد شتی و نه در مسای و نه هیچ چیز دیگر که یک انسان بینه تمدن - نه تمدن - به آن احتیاج دارد. این است که می تمدن بزرگ شادانه!

**سرنگین کردن رژیم استبدادی شاه
و وظیفه مردم مردم ایران است**

کرنا و وثاقت دم از خوروت مبارزه با فساد و انقلاب اخلاقی
و مدنی در جامعه می زند .

زندانی پوشهر و تعمیر افسانه‌ای شاه

در بندر پوشهر و ساواک سرانجام ساختمان یک زندان عظیم است که با بتون بالا می رود . در زمان با ساختن این زندان که طعمه آن جز مشیت توین زندان باقی بماند نخراند داشت شاه در پوشهر یک کاخ افسانه‌ای برای خود می سازد . نقشه این کاخ را مهندس سردار آذینی پسر شاه فرج پهلوی طراحی کرده و ناظران ساختنی آن اسرائیلی هستند . با این که در سال از آغاز عظیمات ساختنی این کاخ عظیم می تدر و محمدا شوز ساختمان در مراحل اولیه آن است . به قول یکی از مهندسان دست اندر کار همین کاخ آن قدر مجهز و مدرن و بزرگ است که پایان ساختنی شاید به عمر شاه تمدند . در اطراف کاخ ساختمان های مجلی برای رجال درباری نزدیک به شاه و اقوام شایسته پیش بینی شده است . ساختن این قصرهای افسانه ای و پر تبطل در شرایطی که بحران مسکن و کمبود مصالح ساختمانی در بزرگ قشورها و اقطار مختلف جامعه به ویژه زحمتکش است بهیچانگی می آید تا بی کامل شاه خود پسند و دود پرست راز صایین مردم آشکار تر نشان می دهند .

ظواهر فریبی های مضحک

اغلب سفرهایی که از طرف دربار انجام می شود مانند سفر فرج هزن شاه به شهرهای مختلف با نفرت و تصخر مردم روبرو می آید . اگر مردم در باره این سفرها هم بی تفاوت باشند کسانی که همراه مثلا شهبانور می افتند و ظاهرا محلی هستند به دلیل سابقه نفرت انگیز که در محل دارند باعث خشم مردم می شود . برای نمونه در سفر ناصر شاه به فومن و ماسوله چند نفر از فوضی ها و ماسوله ای هایی که سال خاست این دوشهر را ترک کرده اند و به دزدی و سرشوه خواری مشغول می و مانند بازی شهرت دارند و ایشان را دوش به دوش همراهی می کردند و به عنوان اعمالی فومن خورش آمد می گفتند و به اصطلاح راهنمای می کردند . این در حالی بود که دست و پشیمانی محل ساکنین شهر حق نداشتند از خانه هایشان بیرون بیایند مگر آن ها که با اجازت ساواک در کنار خیابان باید برای شهبانور دست می زدند . ظاهر فریبی آن قدر زیاد است که گاه همه را به بند می اندازد . مثلا در رشت و فومن و دوشهر چسای که از تهران آورده بودند به عنوان اعمالی رشت و فومن به زن شاه دستگیر کردند و در ماسوله زنی را که ۵۰ سال پیش فومن را ترک کرده است به عنوان زن نمونه فومن به او معرفی کردند . همراه زن شاه لاشخیزهایی که مردم سایه آن ها را با تیر می زدند دوش به دوش ابراه می رفتند و مردم زندان خشم برشم می فشردند . در شهر رشت کنترل مردم توسط ساواک آنچنان وقیحانه و سرسختانه بود که حتی وکلای رشت و فومن و ماسوله هم به حریمی کساواک اطراف زن شاه کشیده بود راه نداشتند و نمایندگان فراک (لباس مخصوص پادشاه بلند) به تن در خیابان های اطراف میدان بزرگ شهر این طرف و آن طرف می دویدند تا بلکه راهی به میدان داشته باشند و خود را به دسر عواقریب شاه نشان بدهند . ولی همه راه هایی که به این میدان ختم می شد توسط ساواک بسته شده بود و نمایندگان مانند موشی که دنبال راه گریز باشد در کوچه پس کوچه ها و خیابان های اطراف میدان این طرف و آن طرف می رفتند و مردم برای شان سوت می کشیدند و هوسان می کردند و برای ای آن های رسید مردم فریاد می زدند : " وکلای دم دارا به بازی نمی آیند "

فروش سیمان در اندامار شاه شهر فلا مرنا

قیمت رسمی هر کیسه سیمان ۱۲۵ ریال است اما سیمان کیسه ای ۵۰۰ ریال به سستی به دست می آید . شاه پیر فلا مرنا و ایادی او و نیز تنی چند از رجال بانفوذ با استفاده از این سیاه بازار سیمان و شروع به دوشیدن مردم و سوء استفاده های گوناگون کردند . به این ترتیب که دلالان شاه پیر فلا مرنا که تا آن دیگر در حفظ ظاهر هم نمی کوشیدند با بی پروایی روزگاری به دلالان از کسانی که ساختمان ها و تأسیسات آن ها به آنها می آورد سیمان و دیگر مصالح ساختمانی در قیمت آرمه و تخفیف مانده مجوز تحویل سیمان از کارخانجات سیمان راهی فرورشتند . آن ها هر کیسه سیمان ۱۲۵ ریالی را ۳۰۰ تا ۴۰۰ ریال می فرورشتند و به خریداری کوپند از کارخانه در زمانه کمبود که بدوایید می توانید سیمان مورد نیاز خود را تحویل بگیرید . بدینسان کارخانجاتی که سیمان را به تن دولت می یعنی ۱۲۵ ریال به مردم می فروزشتند و در اولی پیدا رند تا عرصه کنند و افراد مردم از روی لاجوردی به دلالان شاه پیر نا مراجعه می کنند و به ترتیبی که آن ها بپشیمان می دهند سیمان مورد نیاز خود را خود را خود میداری می کنند . رسوایی این سوء استفاده تا آنقدر بر توجع کس پوشیده نیست که با شاه و زوزای همچنان با کوس و

در راه برانداختن مردم استبدادی شاه متحد هستیم!

مصروع شاه چگونگی میان مردم می رود

در اولین روزهای نوبت دوم اردیبهشت ماه فرج مصروع غریب شاه هاز مدرسه مذکور در ایلیکبی در ایران بازگشت کرد و در جشن پایان سال این مدرسه نیز شرکت کرد. با این که خبر این بازدید و شرکت در مراسم پایان سال تحصیلی یکی مدرسه آمریکایی در ایران در روزنامه ای درباری انعکاس نیافت اما ساکنین منطقه ای که مدرسه در آن قرار دارد از این بازدید مطلع شدند. ماجرا از این قرار بود که چند روز قبل از بازدید همامیران ساواک برای به اصطلاح پاکسازی محله ها خانه اطراف مدرسه را که در یکی از خیابان های فرعی خیابان فخرآباد تهران واقع است زیر و رو کردند و در آنجا تمام ساکنین آن را و خانواده شان تحقیق به عمل آوردند. در همین روزها بر تعداد همامیران ساواک در این خیابان افزوده شد و چندین تلیکتر نیز با اوتقاج بسیار کم بر فراز منطقه پرواز کرده و کمبود آری کردند. سرانجام روز بازدید فرارسید و از اولین ساعات روز تعداد زیادی از همامیران ساواک در خانه های مردم را زده و بدون اجازه به پشت بام خانه ها رفتند و تعداد زیادی بونه با خود به پشت بام ها بردند تا زیر آن ها پنهان شوند. خبر آن آری بام خانه ای مرد پناهنده از بازدید اداره یافت و در تمام مدت بازدید به ساکنین اجازه داده شد. خروج از خانه تا داده نشد. برای بسیاری از ساکنین منطقه که همیشه از آری رادیو تلویزیون شنیده بودند که مصروع شاه بی میان مردم می رود دیدن چنین صحنه هایی واقعا تعجب آور بود و برای اولین بار دیدند که مصروع شاه چگونه به میان مردم می رود.

مصروفی به شدت رایگان

در فصل آرد ماه ویژه روزی ای تحلیل که عده زیادی از مردم برای استراحت و استفاده از دریا به شمال می روند و هر روز عده های در دریا قریانی می شوند. مثلا فقط در نوشهر روزی حداقل ده نفر غرق می شوند در حالی که نه از نجات تریبی خبری هستند و نه از آمبولانس و سایر وسایل امدادی. و سبب آن است که ارتش بزند نجات صریح موجود را برای یزدانی اختصاصی خوبا. شوق و مزایا بیشتر جذب می کند و در نتیجه بهداری و بهزیستی نیز که در چنین روزی این به ایشان عمرا برای استراحت به نوشهر می آید تمام اتوبیل ها و وسایل امدادی می شود و بهداری نوشهر را در وقت اختصاصی خود و همراهمان قرار می دهند و مرد میاید نرود شدن با سانس و در دکان برابا بازار زحمت خود به بیمارستان چالوس برسانند که

تازه در آن جا به طاعت کعبه و وسایل و نبودن پزشک و در صد آن ها جان می سپارند. چنین است معنای به شدت رایگان در عصر رستا نیز آری صبری.

تدریس فارسی با روش آمریکایی

اندر این تلویزیون آموزشی گروهی آمریکایی را استخدام کرده و به عنوان طایفه روحه و شخصت وزارت توپان به اضافه کلیه مضامین زندگی پرداخت می کند. بنا به گفته فردا صبا که در تلویزیون آموزشی این عده را آورده اند تا زبان فارسی را با روش آمریکایی از طریق تلویزیون به دانش آموزان ایرانی آموزش دهند! کلیه روش ها و اقداماتی که در تلویزیون آموزشی انجام می شود باید زیر نظر این آمریکاییان باشد. در حالی که عم اکنون در تلویزیون آموزشی ۳۸ تهیه کننده برنامه ها درجات تحصیلی لیسانس فوق لیسانس و دکترای رشته های مختلف به کار مانده اند و در خرداد ماه گذشته ۴ نفر از کارکنان تلویزیون آموزشی همراه با ۲۳۰ نفر از کارکنان واحد تولید کمال ۷ پس از بی نتیجه ماندن مدت ها اعتراض و حسی اعتمادشان به واسطه کمی حقوق (حد اکثر ۲۱۰۰ تومان) و دیگر شرایط ناخوشایدار کار استعفا دادند.

فاجعه تیر و تیر

روز شنبه ۲۰ تیر ماه تیر و تیر مشهد - تهران در ایستگاه بهرام در ۲۳ کیلومتری تهران از ریل خارج شد و آتش گرفت. روزنامه های فرمایشی کوشیدند مسئله را بی اهمیت و بی خطر جلوه دهند و در حالی که اخبار رسیده حاکی از آن است که تمامی واگن های قطار سوخته و تپها واگن آخر نیم سوخته مانده و حتی یکی از شاهان صینی جسد نفال شده لگوموتور آن برآه چشم دیده است. مسئولان دولتی گناه را به گردن سوزنیان و متصدی ایستگاه انداخته اند اما بنا به نظر کارشناسان مسئولیت این حادثه دلخراش که زمین آن بیزار از صد نفر کشته شده مانده متوجه دولت تویز را و تراپری آن فرجه خشیان است که بدو توجه به نظر کارشناسان در مورد رسیدگی ریل و لزوم تعمیر آن آ و به رغم انتظار آن ها در مورد امکان بروز سانحه فقط از ای جید را بر روی دکان ریل های و رسیده به کار انداختند. فاجعه تیر و تیر تهران مشهد بار دیگر سیمای گریه و غم مردمی ز طاعن اران جا برو فاسد کشورمان نشان داد.

ایجاد جیبسه عده دیکتاتوری
شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی شاهان است

سقف و دایره ۸۰۰ کیلومتری نفتی دریای مازندران

۱- در نخستین هفته تیرماه یک هواپیمای نرانی (احتیاط فانتوم) در ۱۰ کیلومتری بندگاه کوه های جهان نما از توابع کردکوی سقوط کرد و سرنشینان آن کشته شدند.

۲- روز چهارشنبه ۸ تیرماه یک هواپیمای فانتوم بر فراز پادگان جی در ارواح تهران سقوط کرد و نهبان و کتک زدن آن کشته شدند و مصوبها به مژگان بنزین و مهمات اصابت کرد و انفجار شدیدی را باعث شد که موجب هلاکت عده زیادی گردید.

۳- یک هواپیمای گرانبهار نفتی (اف ۱۴) چندی پیش در اطراف اصفهان سقوط کرد که مانند هواپیماهای قبلی خبر آن منتشر نشد. سرنشینان این هواپیما نیز کشته شدند.

سقوط ۸۰۰ کیلومتری نفتی دریای مازندران صورت نظر از همه عوامل فنی و غیر فنی محاکمی از کشته شدن سابقه نا اسیکری افسا کسب شده روی می است که تیرت های دستگاهی کشورها با خریدن و انبار کردن انواع و اقسام سلاح ها برآمد می دهند و ایران را به انبار عظیم و خطرناک اسلحه تبدیل می کنند تا بهتر بتوانند نقش ژاندارم امپریالیسم را در منطقه و در جهت حفاظت از منافع غارتگران خود و حاکمان اینا کنند.

شوت های ملی ایران بوسیله امپریالیسم بودریخ قارت میشود و به جای آن اسلحه و کالا های رنگا رنگ به بهیسانی بده دم گران تر در کشور انبار میشود و ایستگانی اقتصادی جانی برای استقلال سیاسی باقی نگذاشته است. غول امپریالیسم ایران را - پیش از پیش فرو میبرد. در این شرایط خاصوشی با همیسن برستی سازگار نیست. برای رهایی همیسن مبارزه کنیم! برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری شاه متحد شویم!

خبرهایی از نیروگاههای اتمی بوشهر

دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی اتمی که در ۱۲ کیلومتری بوشهر و در ساحل خلیج بریا میشود طبق قرار دادی که ایران با شرکت آلمانی کرافت ورك اونین بسته است در سالها ۸۱-۱۹۸۰ به مرحله بهره برداری میرسد. قرارداد این نیروگاه را شرکت آلمانی مذکور در سال ۱۹۷۶ با دولت ایران بسته است و سرخ بر میگردد به شرکت آلمانی که پیکر شاه یکی از سباحت از این بزرگه آن است. ظاهرا هدف از احداث این نیروگاه تأمین نیرو برای کشور است اما با توجه به اینکه ایران دارای منابع عظیم نفت سرشار نفت و گاز برای تأمین نیروی ارزان قیمت است میتوان دریا که هدف از احداث نیروگاه مورد بحث دست یابی رژیم شاه به سلاح اتمی است. راکتورهای این نیروگاه ۱۹۳ مجتمع سوخت هسته ای دارند که ۱۰۲ تن اورانیوم غنی شده را در خود جا میدهند. از جمع حدود ۷۲۰۰ نفری که در نیروگاه کار میکنند ۹۰۰ نفر آلمانی هستند که حکم کارفرما را دارند و حضورشان در شهر کوچک بوشهر بخواهی احساس میشود. اتومبیلها که با زبان آلمانی روی آنها شماره گذاری نوشته شده و چند روزی روزه آنها در شهر بازار بوشهر. حال دیگر همه در بوشهر میدانند که نیروگاه اتمی در ۱۲ کیلومتری شهرشان احداث می شود و بسته و گریخته چیزهایی پیرامین خطرات احتمالی آن شنیده اند. همه بانگراتی درباره آن صحبت میکنند اما اکثرکشی از کم و کیف آن خبر دارد چرا که کوشش زیادی برای پرداموشی و جلوگیری از انتشار در گونه خبری به عمل می آید بطوریکه حتی خود کارگرانی که در نیروگاه کار میکنند در این زمینه چیز زیادی نمی دانند. از قرار معلوم برای تأییدات سوخته شده نیروگاه هنوز هیچ برنامه ای وجود ندارد و قرار است تمام اورانیوم سوخته شده راکتورهای بتوانند تا کیلومترها محدود اطراف راکتور بکند و زندگی مردم را به خطر اندازد. تا ده سال انبار کنند تا بعد در بارهاش تصحیح بگیرند. فعلا تمام برنامه روی تأسیس نیروگاه و دست یابی به نیروی اتمی متمرکز شده است و اندیشه حفظ محیط زیست و بیان مردم را در آن جایی نیست. درباره مقدار پولی که برای تأسیس این نیروگاهها به آلمان غربی پرداخت شده و میشود بندرت حرف زد میشود ولی گمانی از زبان مهندسان ایرانی شنیده میشود که ۴/۵ میلیارد دلار خرج تأسیس این نیروگاهها میشود تازه شرکت مورد قرارداد میتواند با توجه به تقاضای جهانی درخواست پول اضافی هم بکند.

پیش بسوی ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری